

به یاد جهان پهلوان، تختی

یاد آن یل، آن خورشید به شب تابیده
آن گل رنج پرورده و آن پیک
پرشور پیروزی، گرامی باد

در صفحه پنجم

انحصار گری زمینه ساز ناامنی ها

به یاری مردم، میهن و انقلاب رانجات دهید

هنگامه ای اندوهبار

روز بیست و هشتم و شبانگاه سی ام صفر برای همه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان هنگامه ای اندوهبار است. رحلت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) و سرانجام شهادت حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا (ع)، این دوروز را طی زمانهای دراز، روز عزاداری باور آوران رسالت و پذیرندگان امامت کرده است. ایرانیان همه گاه در یاد واپسین فرستاده خدا و ستارگان درخشان آسمان ولایت با عنایت ایزد یکتا خود را پیروان اسلام راستین می دانند و امیدوارند در پناه ولی عصر (عج) و با تلاشی خستگی ناپذیر، میهن خویش را که سرزمین یکتاپرستان است از گزند اهریمنان بدور دارند.

بدنبال هر انقلاب برای مدتی نیروهای «ضد انقلاب» واکنش های اجتماعی و نظامی و کارشکنی اقتصادی از خود نشان میدهند و بهر کانون قدرتی چه در داخل جامعه و چه در خارج تشبث میجویند تا شاید بتوانند نیروهای بسیج شده و رشد یابنده انقلاب را از کارائی و توانمندی بدر آورند.

بدیهی است که شرط پیروزی نهائی هر جنبش انقلابی در نابود کردن امکنهای گوناگون رشد ضد انقلاب می باشد و البته در انقلابهای آرمانخواهانه تلاش در راهنمایی فریب خوردگان ضد انقلاب و ارشاد آنها به ادغام در کلیت جامعه انقلابی ضروری تر بنظر میرسد. بقیه در صفحه چهارم

شعار یابر نامه!

باز سازی کشاورزی نیاز به برنامه ریزی سنجیده دارد
با آوازه گری کاری پیش نمیرود

کار بدستان انقلاب باید از وجود کسانی استفاده نمایند که دارای تخصص، تجربه و بینش لازم بوده و از اعتقاد راسخ به انقلاب نیز برخوردار باشند.

در نامه «آرمان ملت» بارها گوشزد شده است بازسازی کشاورزی ویران شده ایران نیاز به شناخت نیازها و برنامه ریزی صحیح دارد.

ولی جای تعجب است که در انتخاب کار بدستان تنها موضوعی که در نظر گرفته نشده، همان تخصص، تجربه و کارائی می باشد. بقیه در صفحه هفتم

برنامه ریزی ناگزیر باید متکی به داده های طبیعی و استفاده از امکاناتی کشور باشد تا کشاورزی را در جهت ناوابستگی سوق دهد برای انجام این رسالت

مصاحبه با دبیرکل حزب دموکرات کردستان عراق

ملت ایران باید

حقیقت های تاریخی را بداند

مهندس علی عبدالله از بنیاد گذاران حزب دموکرات کردستان عراق و یکی از همزمان دیرپای شادروان ملامصطفی بارزانی میباشد و اکنون هم دبیر کلی حزب را بعهده دارد.

مهندس علی عبدالله، رفتن نماینده دبیرخانه حزب ملت ایران و خبرنگاران نامه «آرمان ملت» را به اردوگاه پیشمرگان کرد با گرمی پذیرا شد و مصاحبه ای پیرامون گذشته مبارزاتی و سیاست کنونی حزب دموکرات کردستان عراق داشت که عین آن درج میگردد.

بقیه در صفحه سوم

مردم به راستی

نگران آینده اند

گزارش روشن و گویای صادرات کشور را انتشار دهید

برای توسعه صادرات کشور چه برنامه ای دارید

مرکز توسعه صادرات ایران، از صادرات کشور در سال ۱۳۵۸ آماری کلی منتشر کرده است. این آمارها از متن روزنامه انقلاب اسلامی شماره سه شنبه دوم دیماه ۱۳۵۹ نقل می گردد.

«مرگ بر دروغگو»!!

کار بدستان آتش زیر خاکستر را دامن میزنند

نمود و اکنون رانندگانی که با تحمل هزینه های گزاف اتومبیل های خود را با شرایط تعیین شده هماهنگ کرده اند، پریشان و سرگردان مانده اند. رانندگانی نیز که پروانه اشتغال را دریافت کرده اند با دشواریهای بسیاری روبرو هستند و شهرداری تهران برای اینگونه رانندگان پانزده لیتر بنزین، جیره روزانه را تعیین کرده است. بسیاری از رانندگان اعتقاد دارند این اندازه بنزین روزانه کفاف یک روز کار را نمیدهد و با شش هزار ریال عوارضی که شهرداری برای هرماه تعیین نموده است، درآمد آنان بسیار اندک می باشد.

استهلاک اتومبیل، تعویض روغن، عوارض شهرداری و... دست به دست هم داده و رانندگان را با دشواریهای بسیار روبروی نموده است.

نکته جالب توجه در این مورد سخنان نخست وزیر در پانزدهم آذرماه ۱۳۵۹ در کنفرانس استانداران می باشد که مشکل بیکاری را مورد بررسی قرار داده و آن را آتش زیرخاکستر خوانده است.

حال که کار بدستان هم، بیکاری را بلای جان جامعه انقلابی ایران می دانند چگونه با دست خود آتش زیر خاکستر را دامن میزنند تا همه جا را بسوزانند.

طرح صدور پروانه های کار برای مسافرخشهای شخصی با وجود نارسائیهای بسیار مرمی بقیه در صفحه پنجم

از چند هفته پیش همه روزه شمار بسیاری از رانندگان خواهان پروانه اشتغال اتومبیل های شخصی مسافر کشی در مقابل اداره طرح ترافیک تهران گرد می آیند. ولی این تجمع در هفته گذشته شکل دیگری داشت و چندبار رانندگان که از سیمای آنان خشم می بارید با فریادهای «مرگ بر دروغگو» خیابان سپند را که اداره طرح ترافیک تهران در آن قرارداد بستند.

شهرداری تهران اقدام به پخش پرسشنامه هایی در میان درخواست کنندگان دریافت پروانه اشتغال اتومبیل های شخصی مسافر کش نمود ولی این کار به صورت پرسشنامه ای انجام نگرفت و به شماری از درخواست کنندگان پرسشنامه نرسید و شماری نیز دو یا سه پرسشنامه دریافت کردند. در حال پس از پخش پرسشنامه ها، رانندگان با تحمل هزینه های گزاف اقدام به پرداخت عوارض و انتقال قطعی اتومبیل های خود نمودند و حتی بعضی از رانندگان برای پرداخت هزینه های لازم ائانه خود را به فروش رساندند.

در دوران شهردار پیشین تهران، از میان شش هزار درخواست کننده که پرسشنامه را پر کرده بودند برای یک هزار و پانصد پروانه اشتغال صادر گردید.

اما پس از استعفای شهردار پیشین، سرپرست شهرداری با این روش مخالفت کرد و از صدور پروانه های بیشتری جلوگیری

در جهان ملتها چه میگردد

در صفحه هشتم

گزارشهایی از درون عراق

در صفحه سوم

دروغ بر روان تابناک همه شهیدان نبرد میهنی

چرا جنگ به دیری می‌پاید

جاده‌ها به پیش می‌روند و بر شهر و روستاهای غرب و جنوب کشور آسیبهای جبران‌ناپذیر می‌رساند. در هم شکستن این نامردمان، بر ملت ایران دشوار نبوده، اگر تاکنون این خواسته برآورده نشده، دشواری در کار است که باید آن را یافت و از میان برداشت. «تاراندن و کوبیدن ارتش مزدور صدام حسین، نیاز به اینهمه دلیری و ویرانی ندارد. این تجاوزگران دست نشانده باید بسیار آسانتر و زودتر از اینها فرو کوفته می‌شدند.»

«از آنچه تاکنون رفته است چنین برمی‌آید که نارسائی‌ها و ناآگاهی‌ها و ناتوانی در کار می‌باشد و باید همه را آشکار کرد و هر چه زودتر به رفع آنها پرداخت.» «سامان دادن جنگ‌های دوران کنونی، به آگاهی و تخصص‌های ویژه نیاز دارد. صحنه جنگ صحنه آزمایش و احتمال نیست و هر برداشت ناروا و هر تصمیم نادرست زیانها و کشته‌ها به بار می‌آورد.» «در هنگامه پرود و آتش جنگ فقط آنها که شایستگی و ورزیدگی تمام دارند باید به تصمیم‌گیری و فرماندهی بایستند.»

در شماره سی‌ام نامه آرمان ملت به تاریخ سیزدهم آبانماه ۱۳۵۹ چنین نوشته شد: «با آنکه کارشناسان نظامی برجسته جهان ناآگاهی و ناتوانی ارتش مزدور دولت نژادگرای بعث عراق را شناخته و گواهی کرده‌اند ولی کدام عامل سبب شده است که مشتی سفله این سان بر ایران انقلابی درستی کنند.»

در مجموعه عاملهای پیروزی آفرین بیشترین نارسائی کشور در قدرت سیاسی سامان دهنده جنگ است. «دست اندر کارانی که می‌باید اسباب ظفرمندی ارتش را در جبهه‌ها فراهم آوردند در اجرای این وظیفه سترک آشکارا ناشایستگی نشان داده‌اند.»

«اینک زمان آن است که دولتمردان و دست‌اندرکاران کشور به خود آیند و پیش از این در فراهم داشتن سامان جنگ بایسته سستی روا ندارند و همچنانکه بارها گفته شده است آنها که دانائی و توانائی اجرای این وظیفه بزرگ تاریخی در خویش نمی‌بینند باید که جای خود را به کسانی گردان و کارآ، بسپارند باشد که پیروزی حاصل آید.»

در شماره سی‌ویکم نامه آرمان ملت به تاریخ بیستم آبانماه ۱۳۵۹ باز هم نوشته آمد: «همه وعده‌ها که بر تاراندن تجاوزگران داده شده تاکنون صورت نمی‌یافتند و این بی‌گفتگو زمان آن است که دست به کارهای اساسی‌تر زد.»

«در سراسر مرزها میباید حالت تهجمی به خود گرفت و در برابر دشمن جبهه‌های تازه گشود و ابتکار عمل را در نبرد میهنی به دست آورد.» «نباید به انتظار آن نشست که دشمن حمله آورد و سپس به دفاع پرداخت. دفاع کافی است. باید آماده حمله شد.»

«فرماندهی باید بیدرنگ روحیه تهجم به خود بگیرد و دولت نیز باید همه نیازهای تهجم را فراهم آورد و همه اینها باید با سرعت بسیار صورت پذیرد.» «بدرازا کشیدن جنگ و فرسایشی شدن آن حکایت از ناروائی سامان جنگی ما می‌کند انتظار همگان از سامان دهندگان جنگ آن است که فرسایشی شدن جنگ را فرصت ندهند.»

در شماره سی و دوم نامه آرمان ملت به تاریخ چهارم آذرماه ۱۳۵۹ تاکید گردید: «استواری و رزمندگی ایرانیان افتخارها و حماسه‌ها آفریده است. ارتشیان، پاسداران و دیگر جوانان ما بدانگونه جانانه جنگیده‌اند که یادآور دلیریهای کم مانند تاریخ می‌باشد.»

«رئیس جمهور در هفته‌های پیش بشارت داد که جنگ افزار به بسیاری فراهم آمده و نیز هم ایشان و هم دیگر کسانی که از جبهه دیدار کرده‌اند از شوق و شیدائی رزم‌آوران داستانها دارند و آمادگی رزمی آنان را شگفت‌آور یافته‌اند و از دلیریها و کاردانی‌ها و کارائی‌های همه جنگاوران در همه جبهه‌ها حکایتها می‌سرایند.»

«در برابر اینهمه توانائی، از ناتوانی و هراسمندی دشمن خبرها می‌رسد، گفتگو از آن است که بخش بزرگی از نیروهای دشمن و شاید هم همه آنان، سر تسلیم دارند. گفتگو از آن است که برخی از واحدهای دشمن از جوانان کم سال و ناآگاه و ناتوان و یا پیران از کارافتاده انباشته است. گفتگو از آن است که بسیاری از سپاهیان دشمن توانائی در به کار بردن جنگ افزارهای خود را ندارند.»

«اگر فرماندهی ارتش نتوانسته است در شرایطی چنین سازوار دست کم دشمن را از خاک ایران براند، ناگزیر باید در آن دگرگونی پدید آورد و فرماندهی با دلیری بایسته و با قدرت تصمیم‌گیری، به سامان بخشی جنگ گماشت.»

«مجموعه فرماندهی کنونی اعلام داشته است که می‌خواهد جنگ را چندان به درازا بکشد که نیروی دشمن فرسوده شود و آنگاه بر وی بتازد.»

دوششان می‌ریختند.

به یاد آوریم، حکایت آن روستائی سالخورده را که در کنار فرودگاه، هواپیماهای جنگی را به هوشیاری می‌شمرد و به شما رآنان، آیت الکرسی می‌خواند و بدرقه راهشان به آسمان می‌فرستاد و بر جای می‌ماند، تا جنگیان از راه فراز آیند و پیام سرکوبی دشمن آورند و تا باز نمی‌گشتند به کاشانه نمی‌رفت.

به یاد آوریم، مادری که جگر گوشه خود را از دور دستهای جهان به میهن باز آورد و با اصرار خواست تا به خط اول جبهه، به خط آتش و مرگ بفرستد و بر وی از گفته پدر چنین حکایت می‌داشت که میهن عزیزتر از جان است.

به یاد آوریم آن بانوی سالخورده روستائی را که چند گردهای نان واندکی خورش، که همه هستی او می‌بود، از مغز جنگیان ساخت بدین پیام که این خوراک بر جنگیان بیشتر روا است.

به یاد آوریم، ونیک به یاد آوریم که ارتشیان رانده شده و حتی ارتشیان بندی، آزردهای از یاد بردند و بشوق برخاستند و به خواست خویش، به رزمگاه شتافتند و پیمانان زندگی به پیمان میهن باختند.

این غلغله که در آسمان وزمین ایران افتاده بود، به سان هاله‌ای از مهر و سپاس بر سامان دهندگان جنگ پیچید و آنان را هر چه عزیزتر ساخت.

مردم گفتار سامان دهندگان جنگ را چون پیام زندگی شنیدند. و در به جای آوردن هر دستور به راستی بی‌خوبی شتافتند. خواست مردم این می‌بود که خاک میهن از دشمن باز ستانند و آنرا به نابودی کشانند و در پیام سامان دهندگان جنگ هم آرزوی خود را می‌جستند.

اینک در پایان پانزدهمین هفته جنگ، هنوز دشمن بخشی از ایران زمین را جولانگاه خود دارد و صدها هزار مردم آواره از خانه خویش بی‌گذران معاش اینسو و آن سو می‌خسبند مردم از جانبازی‌های خود پیام دیگری چشم می‌داشتند و هرگز نمی‌پنداشتند که پس از گذشت چنین زمانی در جنگ باز هم از دشمن و درشتی خواهند دید و شهر و روستایشان را در پنجه بیداد گرفتار.

خبرها که دولتمردان و سامان دهندگان جنگ از پرسیشانی دشمن می‌آوردند، آرزوی پیروزی را در قلبهای مردم، تیزتر پدید آمدن چیرگی نزدیکتر می‌نمود و هیچکس تا راندن دشمن را دیر نمی‌دید.

اگر خبر آسیب‌ها که بر دشمن زده شده درست و آگاهانه باشد، پایداری آن باید تاکنون پایان یافته باشد و اینکه دشمن هنوز پایبرجا مانده است، سنجیده بودن خبرها و در پی آن باور مردمان را به تردید می‌کشاند. راست است که برای استوار کردن اراده مردم باید از ظفرمندی‌ها خبر داد ولی این خبرها باید چنان باشد که پنداری ناروا در ذهن مردمان پدید نیآورد.

امروز مردم، بر پایه خبرها و پیام‌ها که دریافت داشته‌اند، به تشنگی پیروزی نشسته‌اند، پیروزی بسیار نزدیک و دیگر با هیچ روی نمی‌توان آبی بر این تشنگی روا و درست آنان پاشید.

تنها پیروزی می‌تواند این تشنگی را فرو نشاند و دیگر هیچ، ولی آنچه از دولتمردان و سامان دهندگان جنگ شنیده می‌شود، داستان دیگری است که دست کم بوی پیروزی نزدیک از آن بر نمی‌خیزد. خبرها که به آگاهی همگان رسانیده‌اند، سازگاری ندارد.

دشمن باید بسیار زودتر از اینها سرکوب شده باشد، آخر صدام حسین کیست و ارتش عراق چیست که پس از اینهمه جانفشانی‌ها چنین استوار مانده باشد.

اگر به راستی ارتش صدام حسین چنین کار آمد و توانا می‌باشد (که بی‌گفتگو چنین نیست) چرا آن خبرها را به مردم دادند و چرا این عطش را در مردم آفریدند و اگر چنین نیست که چرا اینک از دیدن جبهه‌ها و گفتگو با فرماندهان سخن‌ها به میان آمده.

راستی آن است که صدام حسین و ارتش پریشیده عراق چنین جایگاهی ندارد و راستی آن است که می‌باید بسیار آسانتر و زودتر آنان را فرو کوفت‌سبب باشند و اگر چنین نگردیده، کار سامان دهندگی جنگ با دشواری رو به رو است.

این نکته به تازگی پیش کشیده نشده است و حزب ملت ایران از هفته‌ها پیش آنرا به روشنی دریافته و به آشکارا بازگو کرده بود و دولتمردان و سامان دهندگان جنگ را پیام داد که دشواری نهفته را دریابند و از میان بردارند ولی دریغ که بر این هشدار التفات نکردند و بر همان قاعده‌ها رفتند که نارسائی‌های آشکار بود و اینک عطش سیراب‌نشده پیروزی، سرود تا زبانها را خشک سازد و گره بر ابروان مردم پدید آرد.

برای آنکه این گوشه‌دها به یاد آید و برای آنکه هم دوباره، راه نشان داده آید، بخش کوچکی از نوشتارهای گذشته باز آورده میشود.

در شماره بیست و نهم نامه آرمان ملت به تاریخ بیست و نهم مهرماه ۱۳۵۹ چنین نوشته شد: «هفته‌ها از جنگ می‌گذرد، و با همه دلآوری‌ها که مردم کرده‌اند، هنوز در بعضی بخشها دشمن به سرزمین ایران ایستاده است. هنوز سروردها پل می‌بندد و در

«این شیوه برداشت پذیرفتنی نیست. دشمن چنان توانائی و کارآمدی ندارد، که بدین تدبیرها نیاز باشد. وانگهی ایمن تـ... تدبیر را در خاک دشمن به اجراء گذارید. سپردن گوشه‌هایی از میهن به دشمن به انتظار فرسوده داشتن آن، استدلالی است سخت نادرست.»

«به گمان چنان می‌رسد که این شیوه برداشت از روحیه‌ای بسیار احتیاط کار و نااستوار برخاسته است.» «فرماندهی جنگ می‌باید بیشترین تحرک را در خود گرد آورده باشد و می‌باید روشن بینی و حسابگری را با جسارت همراه سازد و می‌باید همه تصمیم‌هایش بر پایه شجاعت و درایت استوار گردد.»

«اینک چنین احساس می‌شود که زمان دگرگونی روحیه فرماندهی فرارسیده و باید چنان مجموعه فرماندهی فراهم آورد که دلیرانه بردشمن به تزلزل افتاده بتازد.»

«اینک زمان آن است که از زمین و هوا و دریا بی‌محابا بردشمن تاخت آورد.»

«اینک زمان آن است که بر سر تاسر مرزهای دشمن حمله‌های دلیرانه برد، در هر گوشه خاک دشمن باید آتش‌ها افروخت.»

باید از بلندبیهی کلاشین تاجزیره مینو، همه جادشمن را به ستیز کشید. نباید اجازه جنگ بسیار به درازا کشد و نباید فرصت گذارد که دشمن بیاساید و از اینجا و آنجا سازو برگ جنگ فراهم آورد.»

این نوشته‌ها به روشنی راه غلبه جستن بردشمن را نشان می‌دهد و فرماندهی جنگ را به یافتن نارسائی‌ها و رهنمون می‌آید ولی به آنها عنایت نشد و بر راهی پانهادند که فرسایشی شدن جنگ را در پی می‌داشت.

باز در شماره سی و سوم نامه آرمان ملت به تاریخ یازدهم آذرماه ۱۳۵۹ یادآوری شد «فرسایشی شدن جنگ گذشته از زیانهای جبران‌ناپذیری که به ایران می‌زند به دشمن آسیب دیده فرصت چاره‌اندیشی و گرد آوردن سازو برگ و نیروی تازه می‌دهد، باید این فرصت را از آن بازستاند.»

باز در شماره سی و ششم نامه آرمان ملت به تاریخ دهم آذرماه ۱۳۵۹ زیر عنوان‌های بسیار گویای به درازا کشیدن جنگ زیانبار است. همه قدرت سازمانی و سیاسی کشور باید به کار گرفته شود.»

چنین نوشته آمد «بی‌شک گفتگو ایران از دشمن نیرومندتر است و به شماره رزمندگان ایران از دشمن فزونتر و از جنگ افزار همکای ندارد و از همه بااهمیت‌تر توانمندی روحی و شور جسمی ایرانیان که انقلابی بزرگ را پشت سر گذارده‌اند به هیچ روی باعراقیهای دراختناق به سربرده سنجیدنی نیست، پس چرا برافکندن تجاوزگران چنین به دیری و درنگ کشیده است.»

«آنکه در روزه روی ایران قرار گرفته، دشمنی است پریشان و درمانده و از درون و بیرون کشور خود آسیب‌های فراوان دیده، ایستادگی این دشمن و به جاماندن نشانه‌های چیرگی‌های نخستین برای آن حکایتی سخت ناروا است.»

«چنین دشمنی باید روزها و هفته‌ها پیش، از سرزمینهای ایران تارانده شده و نظم داخلی آن نیز درهم ریخته باشد و اگر چنین نشده بی‌تردید دشواری در میان است و بی‌تردید این دشواری در مردم و در جنگجویان ساده نمی‌باشد. هر دشواری را باید در سامان بخشی و فرماندهی جنگ و گرداندگی کشور جستجو کرد.»

«هر کدام از کاربدستان کشور و فرماندهان که توانائی پدیدآوردن پیروزی در کوتاهترین زمان را ندارند باید هر چه زودتر بجای خود را به دیگری بدهند تا از داوری تلخ تاریخ به رهند.»

درستی این نوشتارها اکنون بسیار آشکار است، و نیازی به افزودن چیز دیگری بر آنها نمی‌باشد و فقط امید می‌رود که سامان دهندگان جنگ از لافزنی بپرهیزند و به کار و پیکار روی آورند و آنان که آگاهی و توانائی فراهم آوردن پیروزی در زمانی بسیار کوتاه را ندارند جای به دیگر گمان پردازند و اگر جز این کنند هم بر خود ستم کرده‌اند و هم بر مردم ایران و امید آنکه بر این ستم‌دیدد مردم دیگر ستم فزون نکنند.

همرزم ارجمند حسین ختتی

در گذشت شادروان علی را عیب را به شما تسلیت می‌گوید
شورای یازدین سازمان شهرستان تهران
حزب ملت ایران

همرزم ارجمند حسین رناسی

در گذشت اندوهار خواهر گراماترا تسلیت می‌گوید
دبیر خانه سازمان شهرستان اصفهان
حزب ملت ایران

مصاحبه با...

س- چون شما از همکاران نزدیک شادروان ملامصطفی بارزانی و از بنیادگذاران حزب دموکرات کردستان عراق میباشید، خواهشمند است برای اطلاع خوانندگان «آرمان ملت» تاریخچه‌ای از حرکت‌های رهائیبخش کردهای عراق را بیان کنید.

ج- حزب دموکرات کردستان عراق در شانزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۶ م - سه رهبری ملامصطفی بارزانی تشکیل شد. س- هدف اصلی از بنیاد گذاری حزب دموکرات کردستان عراق چه بود؟

ج- بعد از جنگ جهانی دوم، کردها خواهان بدست آوردن حقوق خود بودند ولی دولت پادشاهی عراق که دست‌نشانده امپریالیسم انگلیس بود از قبول آن امتناع کرد و منطقه بارزان را بمباران نمود.

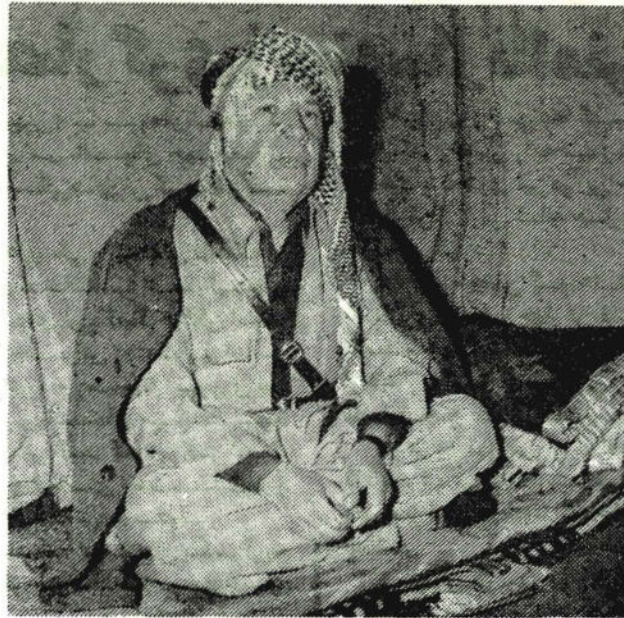
ملا مصطفی بارزانی به‌عنوان بزرگتر خود شیخ احمد و تمام خانواده و هم‌زمانش ناگزیر به آمدن به داخل ایران و استقرار در مهاباد و اطراف آن شدند. در این هنگام دست‌ها و گروه‌های کرد که از استعمار انگلیس و دولت پادشاهی عراق ضربه سختی خورده بودند یک وظیفه تاریخی در خود احساس نمودند و آنهم گرد آمدن و بنیاد گذاردن حزب دموکرات کردستان عراق بود.

این حزب هیچگونه هدف تجزیه طلبی نداشت و تنها خواهان برقراری برابری میان عربها و کردها در کشور عراق بود. در آن زمان ارتش ایران که تازه به آذربایجان کردستان آمده بود و گماشتگان بیگانه بر آن فرماندهی میکردند به دستور شاه از قبول پیشنهاد های ملامصطفی بارزانی داور بر سرانجام در پانزدهم سپتامبر ۱۹۶۱ شورش کلی کردهای عراق به رهبری ملامصطفی بارزانی در عراق آغاز شد و دولتهای بغداد یکی بعد از دیگری سرنگون گردیدند.

این شورش تا یازدهم مارس ۱۹۸۰ ادامه یافت و در این سال قراردادی بین کردها و دولت بعث بسته شد و در چار چوب جمهوری عراق به کردستان عراق که با خیانت شاه روبرو شد مبارزه برخیزد.

سراجم در پانزدهم سپتامبر ۱۹۶۱ شورش کلی کردهای عراق به رهبری ملامصطفی بارزانی در عراق آغاز شد و دولتهای بغداد یکی بعد از دیگری سرنگون گردیدند.

این شورش تا یازدهم مارس ۱۹۸۰ ادامه یافت و در این سال قراردادی بین کردها و دولت بعث بسته شد و در چار چوب جمهوری عراق به کردستان عراق که با خیانت شاه روبرو شد مبارزه برخیزد.



مهندس علی عبدالله دبیر کل حزب دمکرات کردستان عراق در خیمه خود

این بار شورش کردها دامنه وسیعی پیدا کرد و از همه طرف به حزب دموکرات کردستان عراق پیوستند و پس از یکسال جنگ سخت، دشمن بیش از شصت هزار نفر کشته و شصت هزار نفر زخمی داشت و مهماتش به کلی تمام شده بود.

نقش امپریالیسم امریکا در شکست شورش کردها

این شکست بزرگ علت توافق دولت بعث عراق با شاه ایران در هشتم مارس ۱۹۷۱ در الجزایر گردید. کیسینجر وزیر امور خارجه وقت امریکا بطور محرمانه به ایران و عراق کرد و طرح همکاری صدام حسین و شاه را برای از بین بردن کردهای عراق تنظیم نمود و میتوان گفت که امپریالیسم امریکا بیشترین سهم را در شکست شورش کردهای عراق داشت.

حزب دموکرات کردستان عراق که با خیانت شاه روبرو شد بعد از پیروزی انقلاب بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ از طرف مرحوم ملا مصطفی بارزانی و دفتر سیاسی حزب که در آن زمان به «قیاده موقت» مشهور بود، تلگرام تبریکی برای امام خمینی ارسال شد. و در مطبوعات هم به چاپ رسید.

س- علت حمایت حزب شما از انقلاب اسلامی ملت ایران چیست؟

ج- علت حمایت حزب دموکرات کردستان عراق از انقلاب و جمهوری اسلامی اینستکه:

- ۱- به نفع «مستضعفین» میباشد و به ملت‌های زیر سلطه قول همکاری داده است.
 - ۲- نظام طاغوتی را که بر ضد ملت ایران و کردها بوده از میان برداشته است.
 - ۳- مخالف رژیم نژادپرست بعث است.
 - ۴- پیمان سنتو را که علیه ملت‌های منطقه بود از میان برده است.
 - ۵- با امپریالیسم امریکا، دشمن «مستضعفین» و برقرار کننده پیمان الجزایر مخالف است.
- س- آیا پیامی برای ملت ایران دارید؟

ج- ما امیدواریم که ملت ایران این حقایق تاریخی را بداند و میخواهیم تا گروه‌های وابسته به رژیم بعث عراق و دسته‌های خدمتگزار رژیم سابق ایران و ساواکیها شناخته و تنبیه شوند.

ما دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را دشمنی با خود میدانیم و در حال حاضر با تمام نیروی خود آماده ضربه زدن به رژیم بعث عراق شده‌ایم.

ما برای اثبات حقیقت خواسته‌های خود، حمله به منطقه

گزارشهایی از درون عراق اعدام مبارزان کرد

- دولت نژاد گرای بعث عراق به تازگی نوزده جوان مبارز کرد عراق را شبانه در زندان شهرستان موصل اعدام کرده است. نام این قربانیان نظام استبدادی وابسته به بیگانه که تاکنون هر جنبشی را در منشانه سرکوب کرده است در زیر آورده میشود:
- عمر علی عمر از سکنه ده عسکر استان سلیمانیه.
 - عبدالرحمن محمد صالح از سکنه ده عسکر
 - لطیف عبدالله ابراهیم از بخش‌داری سنگر
 - اکرم محمد ظاهر از سکنه سلیمانیه
 - عثمان محمود محمد از سکنه سلیمانیه
 - احمد خدر حسین از سکنه اربیل
 - خضر حمزه سور.
 - جمعه حمزه محمد
 - فرزه عبدالله فرزه
 - حسین عبدالله حسن
 - حسن امین صالح
 - عبدالله حسین عبدالله
 - ابراهیم محمود محمد از سکنه سلیمانیه
 - ابراهیم رسول قادر از سکنه رانیه
 - پیروت ابراهیم مامند از رانیه
 - حسن فقی علی از ده عسکر
 - عثمان خدر مصطفی از ده عسکر
 - محمد حاجی خدر از فرمانداری رانیه
 - هاوار عبدالله احمد از ده سرگل استان دهوک.

گروگانگیری کاربردستان دولت

در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق در استان دهوک توانستند دو مهندس را که یکی از آنها مصری و دیگری عراقی و هر دو کارمند دولت می‌باشند دستگیر کنند.

نام مهندس مصری، کی‌السید عامر و نام مهندس عراقی رزگار محمد آقا قادر است که هر دو اکنون در اختیار پیشمرگان شاخه یکم حزب هستند.

گسترش جنگ‌های چریکی

حزب دمکرات کردستان عراق گزارش عملیاتی پیشمرگان خود را در ماه آذر به شرح زیر انتشار داده است.

در ۱۳۵۹/۹/۴ پیشمرگان حزب وارد شهرستان خورمال - فرمانداری حلبچه - استان سلیمانیه شده و در این درگیری دشمن سه کشته و دو زخمی داد که یکی از زخمیها افسریار محمد عبدمندلای می‌باشد.

در ۱۳۵۹/۹/۶ پیشمرگان حزب به پایگاه دشمن در توتمان در فرمانداری پنجون استان سلیمانیه حمله کرده و نیروهای دشمن را به محاصره در آوردند بخشی از نیروهای دشمن که از کانی مانگا به کمک نیروهای محاصره شده در توتمان می‌رفتند نفر بر آنها وسیله مینی که پیشمرگان در راه آنها گذاشته بودند منفجر شده و شانزده کشته و زخمی برجای گذاشت.

در ۱۳۵۹/۹/۱۴ پیشمرگان حزب در اورامانات بخش عراق بار دیگر به نیروهای دشمن در توتمان فرمانداری پنجون حمله کردند و نفربر نیروهای کمکی دولتی نیز در راه وسیله مین پیشمرگان منفجر شد و دشمن در این درگیری بیش از سی کشته و زخمی داشته است.

در ۵۹/۹/۱۶ پیشمرگان حزب به هنگ ارتش بعث در انیشکی و پاسگاه‌های حفاظتی آن، در فرمانداری العمادیه حمله کردند که در نتیجه دشمن شصت کشته و زخمی داد و دو خودروی نظامی دو توپ دو مسلسل دیکتاتوروف از دست داد.

در ۱۳۵۹/۹/۱۹ پیشمرگان در یک حمله قهرمانانه به مواضع دشمن در سردریا و شروان فرمانداری مرگسور، تلفات جانی و مالی زیادی به نیروهای بعث وارد آوردند.

در ۱۳۵۹/۹/۲۱ پیشمرگان حزب دمکرات کردستان عراق وارد شهرستان چومان از فرمانداری رواندوز استان اربیل شده و ضمن شعار دادن از نفع جنبش رهائی‌بخش کرد عراق اعلامیه‌های حزب را به دیوارها چسباندند و چند مرکز دشمن را زیر آتش گرفتند و سپس همگی به سلامتی به پایگاه خود برگشتند.

ارگان حزب ملت ایران

انحصار گری زمینه ساز ناامنی‌ها

اعراضها و زدوخوردها گسترده‌تر میگردد، بطوریکه، زخمیان را به بیمارستانهای اراک انتقال میدهند و دختری نیز در این جریانها کشته میشود که پدرش از ترس شبانه جنازه فرزند خود را به خاک می‌سپارد!

در سقز، همین گونه تظاهرات منجر به دستگیری یکصد و چهار تن دانش آموز میگردد که شصت و چهارتن آنها دختر بوده‌اند. از این عده پس از دیدار با آیت‌الله منتظری، یکصد و سه تن آزاد شده‌اند وضع یک تن معلوم نیست.

در درود نیز پس از تظاهرات و برخوردهای شدید، دو تن از مدرسه اخراج و چهار تن بطور شدید زخمی میشوند که حال یکی از آنها وخیم است.

در تهران هر روز در مدرسه‌ها آشوب و فتنه برپا است و ادعا میشود که اعضای کمیته‌ها نیز در آن دخالت دارند. دانش‌آموزانی که دو سال پیش همه باهم در راه انقلاب گام برمی‌داشتند امسال به تحریک انحصارگران تحت نام‌های مکتبی و غیرمکتبی، مسلمان و ملی و جز اینها بجان یکدیگر افتاده‌اند و «کمیته‌های» که در آغاز انقلاب نجات‌دهنده بودند، امروز خاطره شوم ساواکی‌ها را یاد می‌آورند و مسئولان امور تربیتی به گونه مأموران حفاظت در مدارس درآمده‌اند.

برای برخی از «بچه‌های معصوم و بی‌گناه» پرونده‌سازی میکنند و آنها را که براساس غنچه‌های انقلاب هستند، به دادگاه‌های انقلاب می‌سپارند در زندانها، بعضی را با تحقیر کردن‌های «مکتبی» رها میکنند و عده‌ای را نگاه میدارند و اگر دانش‌آموزی یا پدرش یا مادرش، یا یکی از نزدیکانش به چنین رفتارهایی اعتراض کند، بی‌درنگ بر حسب «عوامل بعضی‌های عراق» و «ضدای» بر پیشانی‌شان می‌چسبند و اگر زیاد حرف بزنند، آنها هم دستگیر میشوند و اگر از درد نعره بکشند، خانه و اموالشان هم مصادره میگردد!

حمله خراب و بی‌انحصارگران حتی به کانونهای اسلامی ترقیخواه از جمله در مشهد، که مرکز تبلیغات توحیدی در بدترین شرایط استبدادی بود، انجام میگردد.

خراب کردن در غالب شعارها و انواع سختگیریها، بخشی از کردارهای ناشایست چماقداران انحصارگر می‌باشد.

حمله عده‌ای مزدور به مرکز پزشکی مهدی رضائی در بروجرد و زخمی کردن کارکنان آنجا و یورش چاقو کشان و قداره‌بندان به انجمن اسلامی قادی محله در آمل و درگیریهای نابجا بنام «حزب‌الله» و «مناققان» که به کشته شدن یک تن و زخمی گردیدن بیش از یکصد و پنجاه تن انجامید، نمونه دیگری از حرکتهای «مکتبی»های بیخبر از انتقام خدا است.

باز روزنامه‌ها می‌نویسند که در درگیریهای گیلان در رابطه با رادیو تلویزیون یک تن در لاهیجان کشته و عده‌ای زخمی گردیده‌اند که در بیمارستانهای منطقه بستری هستند و از آمل هم بار دیگر خبر رسیده که طی درگیریهای گروهی دستگیر شده‌اند و از آنان، آن دسته که بدستگیری خود اعتراض کرده‌اند، در دادگاه‌های «اسلامی» به زندان و تنبیه با شلاق از سی تا پنجاه ضربه محکوم شده‌اند.

در مشهد مقدس، در رابطه با تعیین هیأت مدیره اتحادیه صنف زرگر و طلافروشان در نصب عکس رئیس جمهور یا نصب عکس رئیس دیوانعالی کشور، چه هنگامه‌ای بپا خاسته است و شگفتا که در همین شهر، در زندانها هم اغتشاشهایی برخاسته که بدنبال آن یکزندانی کشته شده است و هنوز هم در جوار مرقد مطهر حضرت ثامن‌الائمه (ع) عده‌ای با چاقو هر عکسی را که بخواهند پائین می‌آورند و پنج تن که در حال نصب عکس رئیس جمهور بوده‌اند، دستگیر میشوند و پس از مدتی چهارتن آنها آزاد گردیده و از وضع یک تن دیگر هیچ خبری در دست نیست.

در شهر بروجرد نیز در دوره انقلاب، چندروز پیش گروهی از انحصارگران در مراسم هفتمین روز شهادت شش تن از پاسداران انقلاب اسلامی، حاضر شده و مجلس یادبود را به اغتشاش میکشاند و با شعارهای خود علیه رئیس جمهور، خشم مردم را برمی‌انگیزانند.

در تهران در شب عاشورای حسینی (ع) دوازده شخص مسلح و نقابدار به انجمن اسلامی جوانان

پیرامون «نرد میهنی» با نیروهای سحاورگر عراق به همکاریهای امپریالیستهای جهانخوار و چگونگی جنگ و بایستگی‌های آن گفتگو زیاد است.

درباره سارندگی‌های ملی و سردهای قاطعانه با نیروهای حرابکار پیوند یافته با امپریالیستهای جهانخوار و راه و روشهای آن، گفتگو فراوان است. آنچه امروز علاوه بر سراسر دو دشواری اساسی در جامعه بیچشم میخورد و زمینه‌ساز پیروزی ضد انقلاب و در نتیجه امپریالیستهای جهانخوار است، آشوب‌ها و اغتشاش‌هایی است که در اکثر آنها، داسته یا نداشتنه شانه‌های انحصارگری و فتنه‌انگیزیهای گروه گرایانه دیده میشود.

بکرور اطلاع میرسد که آذربایجان یک پارچه آشوب است، روز دیگر خبر میدهد در بلوچستان فتنه‌انگیزی شده است، چند روزی که از آذربایجان و بلوچستان خبرهای بد نمی‌رسد، ننگاه روزنامه‌ها اغتشاش‌های دیگر استانها را خسر میدهد و نمی‌گذارند آب سالم از گلوئی انسان پائین برود. در میدان‌های جنگ که یگانگی لارمه پیروزی است، چرا بعضی‌ها موجب دلسردی ارتش جمهوری اسلامی ایران میشوند یا میان آنان و دلاوران پاسدار نفاق بوجود می‌آورند یا نیروهای مردمی را که برای دفاع از سرزمین‌های خود بسیج شده‌اند، نگران میسازند، از جمله در روزنامه‌ها آمده است که در حدود هفت هزار تن از ایل‌های گساکاوند و سنجابی و کلهر و گوران و قلخانی و عثمانوند که بدستور امام خمینی توسط کمیته بسیج عشایر غرب یا کوشش دکتر سنجابی برای نبرد با دشمن آماده شده‌اند و تاکنون از طریق انحصارگران انواع آسیب‌ها و تهمتهای را شنیده و دیده و تحمل کرده‌اند.

روزنامه‌ها نوشته‌اند، شخصی بنام حاج طهماسبی پنج تن از مردم اهل حق را ناحق اعدام کرده است و وقتی که پرسیده‌اند چرا جیس عمل ناشایستی انجام گردیده؟

گفته است که این پنج تن در حای مشکوکی بوده‌اند و زمانی که در باره جای مشکوک تحقیق میشود، آشکار میگردد که این پنج تن طبق سنت دیرین خود در مزار پیر طریقت «بابا یادگار» برای واپسین زیارت مذهبی رفته بودند!

همین مزدداران تاریخی ایران، زمانی که صمیمانه در جبهه نبرد میهنی جابباری میکنند گروهی از انحصارگران، چند تن را که برای خریدن آذوقه با داشتن رونوشت شناسنامه و کارت بسیج به شهر آمده بودند، دستگیر می‌تسایند و زمانی که کاشف بعمل می‌آید، یکی از سرکردگان همان انحصارگران، میگویند باید همه آنها را بسمه تعالی کرد. یعنی اعدام نمود، پرسیده میشود چرا؟ پاسخ میرسد که اینها «ضد انقلاب هستند»!!

در فارس که استان مشهور ایل‌نشین در ایران است، انواع تحریکها علیه عشایر میهنی دوست و صد استبداد و ضد استعمار آن خطه بیچشم میخورد و با اینکه برخی از روحانیون شیراز تلاش دارند تا سه سود جمهوری اسلامی ایران، نه این اغتشاشا پایان دهند و عشایر دلیر را در خط نبرد علیه تحاورگران بسیج نمایند، اما دستهایی مانع این حرکت تفاهم‌آمیز میشود، در نتیجه هر روز با صدای شلیک گلوله‌ای، قلبی از کار می‌افتد و انسانی سخاک و خون می‌تپد یک روز حان یا کلانتر و کدخدای عشیره، روز دیگر یک روستائی و بدنالش یک پاسدار باایمان

اغتشاشهای ساختگی با کمال تأسف هر روز بیش از روز گذشته، گسترش می‌یابد و دامنه‌اش تا مدرسه‌ها نیز کشیده میشود و نونهالان میهن که با پرورش اجتماعی و اخلاقی درست می‌توانند آینده‌ساز ایران باشند به شیوه‌های گوناگون مورد هتک حرمت و ضرب و شتم و جرح قرار میگیرند. روزنامه‌ها می‌نویسند که در خرم‌آباد بدنبال تظاهر دختران دانش‌آموز در دفاع از همکلاسه‌های اخراجی خود، گروهی با چماق و کلت، به دبیرستان دولتشاهی با شعار «حزب فقط حزب‌الله» حمله می‌آورند و عده‌ای را زخمی میکنند و گروهی را حتی در خانه‌هایشان دستگیر می‌نمایند و بزندان می‌برند و روز جمعه در نماز «وحدت‌آفرین» عکس شاه نابود شده و یک بطری مشروب را به مردم نمازگزار نشان میدهند و میگویند که دستگیر شدگان مشروب‌خوار و هوادار شاه بوده‌اند و بدین وسیله زمینه فتنه‌انگیزی دیگری را برای یک هفته بوجود می‌آورند که در نتیجه، اجتماعهای وسیعی در اداره آموزش و پرورش برپا می‌شود و دامنه

انقلابیهای پیروزمند، آنهایی هستند که در روند سیاسی نیروهای غیر انقلابی و حتی ضد انقلابی را اندک اندک با خود یگانه سازند و بمرور کشمکش و اغتشاشها و نامی‌ها را در جامعه به صفر نزدیک تر نمایند و پیروزی ضد انقلاب در آن است که اگر از لحاظ سیاسی و نظامی نتوانست انقلاب را سرکوب کند، بکوشد تا با دادن آموزشهای انحرافی و تزریق ضد ارزشها، به انقلابیان، گام به گام انقلاب و ارزشهای والای آن را از بین ببرد و به زبان دیگر انقلاب را از محتوا خالی کند و فقط پوسته و شکلی را باقی گذارد که به راحتی بتواند با بنیادهای ارتجاع مجموعه بدهد.

انقلاب اسلامی ملت ایران که علاوه بر عاملها و انگیزه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی براخلاق و فضیلت، پا گرفته بود و در شکل و محتوا از کم نظیرترین حرکتهای انسانی بشمار میرفت، این توان را داشت که بگونه «انقلاب نمونه» در جهان شناخته گردد.

پیدایش انحصارگری‌های ریشه گرفته از وابستگی‌ها و گم‌کردن کار بدستان ناآگاه و ناتوان در سطحهای گوناگون به کارهای گران، روند طبیعی انقلاب را دچار خدشه ساخته بطوریکه برعکس همه انقلابها پس از دو سال، هر چه جامعه بیشتر تلاش میکند و هر چه رمان میگردد، گوئی «ضد انقلاب» قوی‌تر میگردد و «غیرانقلابی» بیشتر از انقلاب روی گردان میشود و «انقلابی» را گرد ناامیدی و اندوه بیشتر بر چهره می‌نشیند.

انقلاب ایران در دوران کوسندگی خود، از حقانیت بی نظیر برخوردار بود، اما امروز پس از گذشتن از آنهمه تنگناها در «دوران سارندگی»، آن حقانیت همه حایبه اجتماع را دارا نمی‌باشد. کار بدستان کشوری آن قدر کاربدائی از خود نشان داده‌اند و آن قدر «سید» کرده‌اند و آن قدر «سی‌نظمی‌ها» فریب‌داند و آن قدر «رواوسی» بوجود آورده‌اند که مردم گاه تصور می‌کنند این دو سال نیز دنباله «نظام استبدادی وابسته به بیگانگان» است و آنچه تحقق یافته، قیامی بوده است برای رسیدن به آزادی و استقلال و نه زبان دگر تا رسیدن به عدالت و حکومت راستین اسلامی، نهضت ادامه دارد!

گاه ممکن است در جامعه‌های انقلاب بنا شکست روبرو شود چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ محتوا و شکل، که در آن صورت انقلابیان باید دوباره به پیکارها و راه یابی‌های خود تداوم بخشند. اما اگر انقلاب تحقق یافته دارای صبغه‌ها و بزرداشت‌های ضد امپریالیستی و جهانگستر باشد، بیشتر از انقلابهای اجتماعی در معرض حمله و شکست قرار میگیرد، یعنی ترقیب ضد انقلاب با نیروهای ویرانگر بیگانه، توان بیشتری در سرکوبی انقلاب بدست می‌آورد و در نتیجه علاوه بر نابود کردن انقلاب، جامعه را نیز ممکن است به تلاش کشاند و به «همبستگی ملی» و «تمامیت ارضی» آسیب وارد نماید.

حرکتهای شوم و ویرانگری که در پیوند ضد انقلاب و امپریالیسم، ظاهر میشود، بر دو نوع می‌باشد.

- افروختن آتش جنگ خارجی و تحاور به سرزمین‌های انقلاب
- برپا داشتن جنگ خاکی و ایجاد آشوب و اغتشاش در جامعه.
- مردم ایران اکنون با هر دو نوع آسیب روبرو هستند و هنوز هم پافشارانه می‌رزمند و از هویت و اصالت انقلاب خود دفاع میکنند که دلیل آن در پایان همین نوشتار خواهد آمد.

در این مورد که اگر شورای انقلاب، دولت موقت، دولت شورای انقلاب و سرانجام دولت ناتوان کنونی، از شایستگی و کارآئی لازم برخوردار بودند، آیا جنگ خارجی بوجود می‌آمد یا خیر؟

اگر کار بدستان کشور، اهل ایمان و اندیشه و کار بودند و طبق ارزشهای انقلاب عمل میکردند، آیا «ضد انقلاب» در داخل کشور خلع سلاح میشد یا خیر؟ موضوع‌هایی است که در آینده باید یکایک آنها را بررسی کرد.

اما آنچه امروز مطرح است و مردم این سرزمین خواهان آن هستند، اینست که «مرحمت فرموده ما رامس کنید!»، بعبارت دیگر انقلابی عمل کردن، ساختن جامعه ایده‌آل اسلامی، و صدور انقلاب و نجات ملت‌های زیر سلطه پیشکشان باد، کاری کسید که کشور از دست نرود و جامعه ملی، تکه‌تکه نگردد و به اصل تمامیت ارضی ایران حدشه وارد نشود، که همه «از طلا گشتن پشیمان گشتیم!»

چهارم خرداد حمله می‌کنند وعده‌ای زن و مرد را دستگیر کرده و گروهی را نیز به بدترین شیوه‌ها کتک می‌زنند.

در خیابان مبارزان و میدان رضائی‌ها، چندین روز است که بدنبال اغتشاشها، آسیب‌هایی بمردم وارد میشود و انجمن کارمندان مسلمان شبانه به تصرف درمی‌آید گروهی زخمی و مضروب و یک تن کشته میشود و بدنبال آن عده‌ای دستگیر و زندانی میگردد.

در چندشب پیش نیز پس از مراجعه پاسداران با حکم دادستانی، افرادی سلاح در دست به خوابگاه دختران دانشجو دانشگاه صنعتی شریف حمله میکنند و بنام انجمن اسلامی حامیان مناطق جنگی، ساختمان را تسخیر و دختران دانشجو را اخراج می‌نمایند.

از این واقعه‌های دلخراش هرروز و هرشب در گوشه و کنار کشور انجام میشود و اگر کسی سخن در اعتراض بر زبان آورد، بیدریغ چماق خشن «ضدانقلاب» بودن بر سرش میخورد و اگر به نام خدا و از زبان قرآن و نهج‌البلاغه، بخواهد این چماقداران از حقیقت بی‌خبر را به راه عدالت هدایت کند، جواب می‌شوند که شما مسلمان هستید، اما «مکتبی» نیستید، داستانی که عبید زاکانی حکایت میکند «من خطیبم! مرا با مسلمانی چه کار!!»

یکی از خواسته‌های ملت ایران، آزادی «و ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» بود (بند ۱ اصل سوم قانون اساسی) و برای این کردار انسانی «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر» لازم تشخیص داده شد (بند ۲ اصل سوم) و بهمین دلیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تفتیش عقاید ممنوع» (اصل بیست‌وسوم) و طبق مقرراتی خاص «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد» دانسته شدند (اصل بیست‌وچهارم).

پس از انقلاب روزنامه‌های زیادی طبق اجازه وزارت ارشاد، انتشار یافتند، اما روشن نشد که چرا دست‌هایی جلوی پخش آزاد آنها می‌گیرند؟ اگر روزنامه‌ها، انتشار یابنده، دارای خواسته‌هایی برخلاف قانون جمهوری اسلامی هستند، چرا بطور رسمی آنها را توقیف نمی‌کنند و علتش را به آگاهی مردم نمیرسانند و اگر روزنامه‌ها طبق میزانهای قانونی انتشار می‌یابند چرا از راه‌های غیر مستقیم جلوی پخش آنها را میگیرند؟

چرا در ارتش فقط روزنامه‌های ویژه‌ای پخش می‌شوند و نظامیان آزاد شده و آزادکننده از خواندن دیگر روزنامه‌ها محروم میگرددند؟

چرا بسیاری از «کیوسک‌های» روزنامه‌فروشی، در رابطه با کانون (نامرئی!) -- زورمداران بعضی روزنامه‌ها از جمله نامه «آدمان ملت» را در معرض دید و خرید مردم قرار نمی‌دهند؟ چرا به دفتر برخی از روزنامه‌ها بدون هیچ اجازه قانونی حمله می‌کنند و زمزمه‌هایی که از آنها شکایت می‌شود، دستگاههای قضائی ترتیب اثر نمی‌دهند.

چرا فروشندهگان نامه «آدمان ملت» مورد ضرب و بی‌احترامی قرار میگیرند، و حتی در هفته پیش چند دانش‌آموز و دانشجوی فروشنده آن، دستگیر میشوند؟ نماینده روزنامه انقلاب اسلامی را چرا در قزوین می‌ربایند و عده‌ای چماقدار به مدت بیست دقیقه او را کتک می‌زنند و هشتاد و سه عدد روزنامه او را به غارت می‌برند و پس از تهدیدهای شدید، بی‌رسم در خیابان نادری قزوین رهایش میسازند؟ آیا این حرکتهای ضد آزادی، حرکت «اسلامی» است؟ آیا بستن مرکزهای حزب‌ها و سازمانهای سیاسی کشور برخاسته از آموزشهای «مکتبی» است؟ آیا زبان به انتقاد گشودن در این رابطه «ضدانقلاب» بودن است؟

در جامعه‌ای که در حال جنگ بایگانگان است، در جامعه‌ای که هنوز ریشه نحوست بار «ضدانقلاب» و عاملهای استبداد و ارتجاع، بطور کامل کنده نشده است، این حرکتهای که نوعی «جنگ همه برضد همه» می‌باشد، به «ضدانقلاب» حیات میدهد و زلال شط خروشان انقلاب را آلوده میسازد و اگر جوش فرهنگ ایران و درخشندگی آموزشهای اسلامی و درایت در ره‌نمودهای بهنگام امام خمینی، به جامعه و حرکتهای آن «حقانیت» نمیداد، بی‌شک بند از بند گسیختگی سیاسی و اقتصادی، رشته‌های زندگی ملی را پاره میکرد و ایران عزیز را چند پاره می‌نمود و به ارتش مزدور، چون بعضی‌های عراق و چه سس ناتوان‌تر و

به یاد جهان پهلوان، تختی

«جدول نمودار مدالهای تختی»

سال	عنوان و مکان مسابقات	وزن	نوع مدال
۱۹۵۱	جهانی هلنسکی و فولاد	ششم	نقره
۱۹۵۲	بازوهای المپیک هلنسکی و فولاد	ششم	نقره
۱۹۵۳	فستیوال جهانی ورشو و لهستان	هفتم	نقره
۱۹۵۶	بازوهای المپیک ملبورن و استرالیا	هفتم	طلا
۱۹۵۸	جام جهانی صوفیه و بلغارستان	هفتم	نقره
۱۹۵۸	بازوهای آسیائی توکیو (ژاپن)	هفتم	طلا
۱۹۵۹	جهانی تهران	هفتم	طلا
۱۹۶۰	بازوهای المپیک رم (ایتالیا)	هفتم	نقره
۱۹۶۱	جهانی یوکوهاما (ژاپن)	هفتم	طلا
۱۹۶۲	جهانی تولید و آمریکا	هفتم	نقره

جمعاً ۱۰ مدال: ۴ مدال طلا، ۶ مدال نقره



تا زنده است زمین تابنده آفتاب تو همچنان در قلب ما می‌مانی در قلب ایران تختی عزیز

«کارو»

درخانی آباد یکی از قدیمی‌ترین محله‌های تهران بادیوارهای بلند کاه گلی و ویژگی‌های سنتی به سال ۱۳۰۹ خورشیدی پسری چشم به جهان گشود که بعدها رقم زن سربلندی‌های بزرگ برای میهن خویش گردید.

پدرش، ارباب رجب تختی، یخچال دار بود و مادرش خانه‌دار. پسر هفتگانه‌های فراغت راد زورخانه و کنار پهلوانان می‌گذرانید و با آئین‌های این ورزش باستانی آشنائی کامل داشت.

کودکی غلامرضا در میان کوه‌های تنگ و دراز خانی آباد که آفتاب رانیز کمتر مجالی برای سرکشی به آنها بود با بازی‌های بیجان و بی‌خیال از سایه‌های شوم دیکتاتوری که همه جای ایران رازیر سلطه داشت، گذشت.

دوره ابتدائی راد در بدستانی در محله قنات آباد فرا گرفت و دوران متوسطه راد در دبیرستان دقیقی در همان محله گذراند.

حضور مدیران زورخانه در محله و بویژه تأثیر پدر، وی را به سوی این محراب مهر و جوانمردی کشید.

نخستین تجربه‌های ورزش کشتی راد رسال ۱۳۲۴ در زورخانه «فولاد» کسب کرد و خیلی زود به یمن سینه‌های فراخ، بازوان توانا، روح بلند و اعتقاد دینی او حریفان کهنه از میدان بدر شدند و در جایگاه قهرمانی کشور قرار گرفت.

بی‌آرام‌تر از آنان، این قدرت را میداد تا این سرزمین را زیر سلطه شوم خود قرار دهند. حال که ارزشهای برین جامعه پایرجا و استوار هستند و می‌توانند مردم را به حرکت درآورند، به جای سوءاستفاده‌های نامشروع از آموزشهای اسلام و رهنمودهای امام خمینی در راستای خواسته‌های گروهی و انحصارگرانه، کار بدستان

کشوری که گاه نادان بنظر میرسند و گاه دسیسه‌کار و گاه هردو، اگر توان انقلابی و با مردم شدن را در خود می‌توانند بوجود آورند، تا وقت باقی است برآستی در راه خدا و نجات انقلاب و میهن گام نهند و اگر ایمانی که شایسته است، در خود احساس نمی‌کنند، هر چه زودتر پیش از آنکه مردم

به حر سهای سدبری علیه آنان برخیزند، جای خویش را به کسانی دهند که به انقلاب و به مردم اعتقاد داشته باشند و نظام جمهوری اسلامی را با تمام وجود پذیرفته و به استقلال و آزادی و عدالت جهانگستر خدائی دل‌بسته و از شایستگی‌ها و کاردانی‌ها برخوردار بوده و دلوری گفتن حقایق را داشته باشند.

کار بدستان کنونی کشور باید بدانند، مردم را می‌شود فریب داد اما نه برای همیشه و اگر انقلاب محتوای خود را از دست بدهد سرنوشت شومی در انتظارش خواهد بود.

پیروزی در دوران سازندگی انقلاب تنها با پاسداری همیشگی از جدول ارزشهای آن پدید می‌آید.

تختی در کنار خودسازی تن با شناخت نهضت ملی به رهبری مصدق به پرورش روان پرداخت و در جرگه‌های هواداران پیشوا درآمد. خبر این آرمانخواهی بر دشمنان مصدق و درباریان چندان خوش نیامد و از سویی تلاش برای دور کردن پهلوان از اندیشه‌های سیاسی در

انسان بودن با همه گستردگی مفهوم در زمانه‌ی فضیلت‌سوزی که برآستی پاک‌ی یاران راه در لحظه‌ی گلوله‌های سربی تصدیق می‌شد در وجود پرمایه تختی به سرحد غنا رسیده بود.

زالال روشن چشمانش که

در دهمین سالگرد شهیدان بخون تپیده‌ی قیام سیم تیر که تمامی رهبران به زندان کشیده شده بودند، حضور تختی در متینگ موضعی در کنار پیکارگران، گویای این حقیقت گردید که جهان پهلوان برای راه برگزیده‌ی خود بار گشتی نمی‌شناسد و تا پای جان هوادار مصدق خواهد بود.

زنی که گوشوار از گوشها بر کند، پیرزنی که انگو از دست بر گرفت، کارگری که تمامی مزد روزانه‌اش را به صندوق جمع‌آوری کمک ریخت و دانش‌آموزی که مداد و قلم و کتابچه خود را پیشکش کرد و اینها نمونه‌های کوچکی از باور و مهر مردم به

یاد آن یل، آن خورشید به شب تابیده و آن پیک پرشور پیروزی، گرمی باد

این پهلوان نجیب، کم‌سخن، پرکار، ساده و بی‌ریا بود. غلامرضا تختی، رستم دوران، یلی که به بازوان خود درفش افتخار برافراخت، کارمند ساده‌ی راه‌آهن دولتی ایران بود و با حقوق اندک، بار زندگی خود و خانواده‌اش را بدوش می‌کشید.

آن خورشید به شب تابیده، آن گل رنج پرورده، آن پیک پرشور پیروزی که مهرش کلاف نواهای از هم جدا را بهم می‌بافت و دانه‌ی پریشیده‌ی دل‌ها را به یک رشته و یک بند می‌کرد، در کبود خاموش سراچه‌ی اهریمنی به خنجری از پشت در سی و هفت سالگی از پای درآمد.

مرگش را گرچه سیزده سال از آن می‌گذرد، هنوز به آسانی باور نتوان کرد که چنان رویان و پویا بود که نفس زندگی، که شکوه هستی.

دریغ که رستم زما، امروز در میدان نبرد، تاریکی و روشنی، حق و باطل حضور ندارد تا پرچم مبارزه را بر دوش کشد و دشمن را با صلابت تاریخ صلا در دهد.



تختی برای واپسین بار در یک میدان داخلی

پوشش‌های گوناگون آغاز شد و از سوئی زخمی شد بر دل آنها که مصدق را سدی در راه پیشبرد هدف‌های خود می‌دانستند.

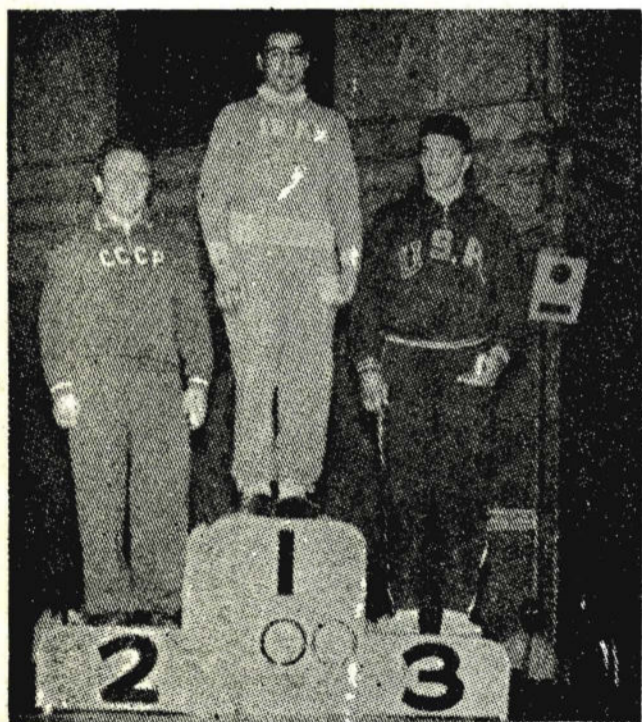
از آن پس تا هنگامی که تختی در صحنه‌ی ورزش ایران حضور داشت، تابناک‌ترین چهره قهرمانی میهن بود.

بارها پرچم سمرنگ ایران به همت این دلاور به اهتزاز درآمد و میلیونها دیده نظاره‌گر آن شد. ولی آنچه برآستی همگان را شیفته تختی ساخت، آنچه از تختی حماسه‌ای از یاد نرفتگی پدید آورد، آنچه سبب شد مهر تختی به میان دیوارهای بسته‌ی هزاران هزار خانه‌ی ایرانی رخنه کند و پایدار بماند، آنچه هزاران هزار دست را به سوی آسمان دراز کرد تا توانائی و پیروزی تختی را از خداوند یکتا به نیاز خواهد نه تنها شناخت قدرت پهلوانی و پیروزی‌های این قهرمان که جوهر روح بلند و والاينده‌اش بود.

آیتی به تصویر شرم و شکوه بود هرگز کز ننگریست و جز به مهر روان نشد. گام‌های بلند و پرصلابتش جز برای مردم و میهن بر زمین فرود نیامد.

گرچه بر سفره پدر فقر را که میهمان ناخوانده‌ی بیشتر ایرانیان بود چشیده و ناکامی را لمس کرده بود، هرگز و هرگز سرافراشته‌اش، حتی به بهای آسایش و نعمت و زیادتی فرود نیامد. دست‌بوس بزرگان نگزید گرچه بسیار و بسیار بر دستهای پرچین و زحمت‌کشیده‌ی مادر بوسه زده بود.

شرکت آشکارا و صمیمانه تختی در کوشش‌های سیاسی خشم استبدادیان را فزونی بخشید تا بدانجا که از ورودش به باشگاه‌های ورزشی که بگونه‌ی خانه‌ی دوم وی بود جلوگیری کردند و برایش آزدگی فراوان خاطر به بار آوردند.



تختی بر فراز سکوی قهرمانی المپیک ۱۹۵۶ ملبورن ایستاده است

مرگ بر...

بود بر زخم بیکاری رو به افزایش در ایران، که با اجرای آن شش هزار راننده و در حقیقت شش هزار خانواده از بیکاری رهانیده می‌شدند و از دریای بیکاران دست کم قطره‌ای کاسته می‌شد. رانندگان اتومبیل‌های شخصی مسافرکش نه ضد انقلاب هستند و نه دست‌نشانده بیگانگان، آنها تنها می‌خواهند بر اساس وعده‌های داده شده، ترتیب صدور پروانه

می‌شناسد. قدرت اندیشه و نیروی کار بدستان کشور باید در جهت رفع مشکلاتی از قبیل بیکاری به حرکت درآید نه در راه دامن زدن به آن.

از سوی دیگر کار بدستان با کوتاهی خود و سرگردان کردن چند هزار راننده بیکار، در حقیقت گامی در جهت تقویت دشمنان انقلاب اسلامی ملت ایران برداشته و راه را برای رخنه آنان در میان مردم ناراضی گشوده‌اند.

اشتغال ایشان داده شود. ولی کار بدستان شهرداری تهران با تعلل در اجرای این طرح شمار بسیاری را بر خیل ناراضیان افزوده‌اند بارها و بارها گفته شده است باید برای بیکاران کار فراهم آورد، نه از آن رو که بیم راهپیمائی آنان می‌رود، بلکه از آن رو که آرزوهای بلند جمهوری اسلامی ایران برای انسانها چنین اقتضا می‌کند، و از آن رو که اشتغال از زمره حقوق اساسی انسانهاست و حکومت هم خود را به اجرای این حقوق پای بند

ارگان حزب ملت ایران

مردم به راستی نگران آینده‌اند

می‌باشد و در هم شکستن این حالت فقط به وسیله دولت ممکن است و پس.

از دولت انتظار آن است که بی‌درنگ، با رقم و عدد، وضع کنونی اقتصادی را، هر قدر هم نارسا و ناگوار، به مردم آگاهی دهد، و برنامه‌های خود را هم برای برطرف کردن این وضع در طی زمان، همپای آن اعلام دارد و باید همه این آگاهی‌ها، روشن و گویا و زنده و دقیق باشد.

دولت باید از هر پرده پوشی دوری گزیند و باید بداند، که هیچ چیز در پرده نمی‌ماند، تنها نتیجه پرده‌پوشی همچنانکه گفته آمد، گمان زنی‌های بی‌اندازه است.

دولت باید برنامه‌های اجرایی خود را تاکنون تنظیم کرده باشد و این برنامه‌ها را باید اعلام کند، اگر در اجرای آنها هم در بستر زمان کندی یا دشواری پیش آید، هیچ جای نگرانی نیست. وقتی برنامه‌ی کار روشن و در حال اجرا باشد، هر دشواری را که پیش آید، با تلاشی بیشتر، دیرتر یا زودتر، می‌توان از میان برداشت. به طور کلی و در اساس، برنامه‌های اقتصادی هرگز بدان صورت که تنظیم شده است اجرا نمی‌شود و در اجرای هر برنامه کم و کاستی‌هایی پدید می‌آید. از این رهگذر نباید نگران بود.

فایده اصلی تنظیم و اعلام برنامه، جهت دادن به تلاش‌های اقتصادی و روشن داشتن راه آینده و مقصدها و هدف‌های آن است.

اگر دولت دست به تنظیم و اعلام و اجرای برنامه‌های روشن اقتصادی بزند مردم هم به یاری و تلاش برخوانند خاست و بی‌گفتگو این دور ملالت‌آور در اقتصاد کنونی کشور پایان خواهد گرفت.

شرط اصلی در پدید آمدن روحیه کوشا و شرکت کردن پرداختن مردم در اجرای برنامه‌های اقتصادی دولت، آن است که تنظیم و اعلام اجرای این برنامه‌ها، در نهایت راستی صورت گیرد و هدف‌های تبلیغاتی در آنها راه داده نشود و هیچگونه صلاح‌اندیشی سیاسی آنها را در بر نگیرد و اگر جز این باشد، این برنامه‌ها هم نتیجه‌ای به بار نخواهد آورد.

یکی از اصلی‌ترین برنامه‌هایی که دولت می‌تواند و باید در شرایط کنونی به موقع اجراء بگذارد برنامه توسعه صادرات است.

منظور از توسعه صادرات آن نیست که از فردا کشتی‌های حامل کالاهای ایرانی پهنه دریاها را بیوشانند، چرا که چنین خواسته‌ای عملی نمی‌باشد.

منظور آن است که به تنظیم و اجرای برنامه‌ای دست زده شود که سال آینده کالاهای بیشتر و گوناگون‌تری برای فرستادن به بازار خارج فراهم آید و این کار شدنی است.

با بررسی بازارهای جهانی، و با روشن داشتن زمینه‌های صدور کالاهای گوناگون، می‌توان از هم‌اکنون وسایل تولید این کالاها

تصمیم‌ها به کندتر شدن اهنگ حرکت اقتصادی می‌انجامد و کندتر شدن اهنگ حرکت اقتصادی خود، دوباره، روحیه انقباضی بیشتری ایجاد می‌کند و این دو پدیده بر روی یکدیگر اثری فزاینده و پیوسته می‌گذارند.

واکنش انقباضی در برابر تصور یا واقعیت شرایط نامساعد، واکنشی است طبیعی و به هیچ‌گونه نمی‌توان از پدید آمدن چنین واکنشی جلوگیری کرد- چنانکه به هنگام شنیدن خبری ناگوار و یا دیدن رویدادی غم‌انگیز، به گونه‌ی طبیعی و خارج از اختیار آدمی، حرکت‌های زیستی غیرارادی مانند گردش خون و ضربان قلب به کندی گرایش پیدا می‌کند و در عضله‌ها نیز انقباض پدید می‌آید، بدان سان که گوئی می‌خواهد هدفی کوچکتر به آن عملی که از خارج بر آدمی وارد می‌آید عرضه دارد- واکنش انقباضی مردم در شرایط نامساعد اقتصادی نیز از همین گونه است.

برای آنکه از واکنش انقباضی مردم در زمینه اقتصاد جلوگیری شود، می‌باید چگونگی وضع اقتصادی کشور به روشنی و دقت و با رقم و عدد در برابر دیدگان مردم ترسیم شود. و اگر چنانچه وضع اقتصادی نامساعد باشد، می‌باید در کنار بازگو کردن رقم‌ها و رسم کردن تصویری روشن از چگونگی اقتصاد کشور، طرح‌های اجرایی پدید آورنده بهبودی را نیز اعلام داشت.

هیچ ملتی در هیچ زمانی به علت نامساعد بودن وضع اقتصادی به گسترش اشتیاق انقباضی روی نیاورده است.

آنچه مردم را به کند کردن ضربان نبض زندگی اقتصادی خود فرا می‌خواند، نگرانی از آینده یا بی‌خبری است. نامساعد بودن وضع اقتصادی برای ملت ایران تازگی ندارد و کمبودها و تنگناها همواره وجود داشته و تا سالهای سال هم وجود خواهد داشت.

بیکاری و کم‌پولی و عامل‌های دیگری از این دست هم کم و بیش دیده شده است هیچکدام آنها برای مردم ناآشنا نیست این مردم با همه دردها و تلخی‌های اقتصادی پیوندی دیرینه داشته‌اند و این عاملها پدید آورنده روحیه کنونی اقتصادی نمی‌تواند باشد.

آنچه روحیه بازدارندگی یا خودداری‌های اقتصادی کنونی را پدید آورده بی‌خبری مردم از روند فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌های آینده است، اگر مردم از برنامه‌های آینده آگاه شوند، برنامه‌ها هم چنان باشد که آینده بهتر و پررونق‌تری را از لحاظ اقتصادی به آنان نوید دهد، بی‌گفتگو به تلاشی بر خواهند خاست و در همان راستای برنامه‌های دولت، فعالیت‌های اقتصادی خود را تنظیم خواهند کرد.

تا زمانی که مردم از چگونگی جریان حیات اقتصادی کشور در حال و آینده به درستی آگاه نشوند نباید انتظار داشت که به شرکت کوشا در این زمینه برخیزند.

مردم به راستی نگران آینده‌اند و چون نمی‌دانند که چه خواهد شد به اصطلاح رایج «دست نگه داشته‌اند» و این دست نگه داشتن به طور دقیق به معنای رکود و بی‌حرکتی

نکته را یادآوری کند، که اسرار آمارهای گوناگون کشور به صورت مرتب و در فاصله‌های زمانی معین یکی از وظیفه‌های اصلی حکومت است.

حکومت می‌باید گزارش کار خود را با زبان آمار در اختیار مردم قرار دهد تا همگان از چگونگی اداره کشور با خبر شوند.

می‌باید هر ماهه صورت درآمد و هزینه اری کشور، و درآمد و هزینه دولت، و واردات و صادرات، با جزئیات روشن کننده منتشر شود و علاوه بر اینها باید حجم اسکناس در جریان، و حجم اعتبارات و ترتیب پشتوانه اسکناس به آگاهی مردم برسد.

کوتاهی کردن در انتشار این آمارها موجب آن خواهد شد که هرکس بر اساس حساب‌ها و برداشتهای محدود و ناقص خود درباره اوضاع اقتصادی کشور به حدس و گمان بپردازد، و از این گمان زنی‌ها، اغتشاش فکری در ذهن‌ها پدید خواهد آمد، و از سوی دیگر مردم کشور راه نمی‌توان از ابراز علاقه و توجه به رویدادهای کشور و داوری درباره روند کارها بر حذر داشت.

مردم کشور خواه و ناخواه آنچه را در کشور می‌گذرد می‌بینند و یا در می‌یابند و درباره آنها داوری روا می‌دارند و این داوری‌ها اگر بر پایه رقم‌ها و آمارهای درست و دقیق نباشد، همواره غیرعلمی و ناروا خواهد بود، و داوری ناروای مردم، در نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اثر خواهد گذاشت.

اگر مردم به بانکه پول نمی‌سپارند. یا کم می‌سپارند، اگر در سرمایه‌گذاری کردن پس‌اندازهای خود تردید آشکار روا می‌دارند و اگر برای خرید طلا شتاب از خود نشان می‌دهند و یا اگر حتی در بنای یک خانه برای سکونت خود درنگ می‌نمایند و صدها اگر دیگر، همگی نشان دهنده آن است که مردم در یک فضای نامطمئن اقتصادی گام برمی‌دارند، این فضای نامطمئن بیشتر به لحاظ بی‌خبر ماندن از چگونگی جریان زندگی اقتصادی است.

مردم نمی‌دانند در اقتصاد کشورشان چه می‌گذرد و این نکته را که دست اندرکاران توضیح روشن و زنده‌ای از وضع اقتصادی کشور نمی‌دهند، به حساب نامناسب بودن شرایط اقتصادی می‌گذارند و در توجیه این شرایط نامساعد، عیان اندیشه را به دست خیال می‌سپارند و هر اندازه که به تصورشان برسد، این شرایط را نامساعدتر در ذهن می‌پرورند، سپس بر اساس این خیال‌ها و تصورها تصمیم می‌گیرند و تصمیم خود را به موقع اجرا می‌گذارند.

تصمیمی که بر اساس تصور شرایط نامساعد اتخاذ می‌شود، به طور طبیعی تصمیمی است انقباضی، یعنی هر فرد و هر خانوار به گونه‌ی یک عامل اقتصادی، در شرایط نامساعد، به محدود کردن تلاش‌های اقتصادی خود می‌پردازد، کمتر سرمایه‌گذاری می‌کند، کمتر به بانک مراجعه می‌نماید، کمتر به داد و ستد می‌پردازد و کمتر به رونق زندگی مادی و رفاهی خود می‌کوشد. و جمع این برداشتها و

برندند و این عمل را نباید به حساب رشد صادرات گذارد.

بردن فرش به خارج به منظور جا به جا کردن ثروت‌های باد آورده در سال ۱۳۵۷ آغاز شد و گروه‌هایی از ثروتمندان بزرگ کشور، دست به فرستادن فرش به خارج از کشور زدند و این روند در سال ۱۳۵۸ اوج گرفت و به گونه‌ی راهی برای خارج کردن ارز از کشور تلقی گردید و هرگز به قیمت واقعی اعلام مورد باشد.

کشور ایران توانائی آن را دارد که اندازه و نوع صادرات خود را از آنچه در گذشته بوده فزونی بخشد و به تولید و صادر کردن کالاهای بپردازد که اثر آنها در رونق بخشیدن به اقتصاد ملی بسیار بیشتر از کالاهای صادراتی کنونی است.

لازم به یادآوری است که کاهش میزان صادرات بسه هیچ‌وجه پذیرفتنی نمی‌باشد و نیز ترکیب جدول کالاهای صادراتی نباید نشان دهنده عقب افتادگی اقتصاد کشور باشد.

برای نمونه اگر می‌توان پوستهای صادراتی را به چرم تبدیل و صادر کرد، بی‌درنگ، باید مرکزهایی برای این کار پدید آورد تا به ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی هم کمک کند.

برای تعیین کالاهای صادراتی و انتخاب آنها از جمع فرآورده‌های داخلی، مروری در گزارش مرکز توسعه صادرات بسیار سودمند خواهد بود.

گزارشی که از مرکز توسعه صادرات در دست می‌باشد، همان است که روزنامه انقلاب اسلامی بازگویی به یقین گزارش اصلی بسیار گویاتر از این گزارش است و جا دارد که مرکز توسعه صادرات گزارش تفصیلی خود را برای همگان انتشار دهد تا با مراجعه به آن اظهار نظر گسترده‌تر پرداخته آید.

بر اساس گزارش انتشار یافته، میزان صادرات کشور در سال ۱۳۵۸ در حدود پنجاه و شش میلیارد ریال می‌باشد که میزان آن در سنجش با واردات بسیار ناچیز است.

به ویژه آنکه اصلی‌ترین رقم صادرات کشور فرش پشمی دستیاف بوده است که صادر کردن آن، نشانه‌ای از عقب ماندگی شدید اقتصادی می‌باشد.

آن نیروی عظیمی که به تولید فرش اشتغال داشته، چنانچه با ابزار کار و آموزش مناسب در رشته دیگری به کار گمارده شود، بی‌گمان تولید عالیتر و افزونتری عرضه خواهد کرد.

نکته اصلی آنکه میزان صادرات فرش پشمی دستیاف در سال ۱۳۵۸ برابر با چهل و پنج درصد ارزش صادرات کشور بوده است و صادر شدن این میزان فرش در سال ۱۳۵۸ به ناگهان نشان دهنده رشد بازارهای صادراتی یا قدرت تولید ملی نمی‌باشد، زیرا در سال مزبور بسیاری کسان که می‌خواستند ثروت خود را به خارج کشور انتقال دهند و به لحاظ محدودیت‌های ارزی توانائی اجرای این خواسته را نداشته‌اند، بهترین راه را صادر کردن فرش دانسته‌اند.

در سال ۱۳۵۸ مقدار بسیاری فرشهای گرانبه را به بهانه صدور بازرگانی از ایران به خارج

که توسعه صادرات نباید موجب در تنگنا گذاشتن مصرف کننده

در مورد افزایش صادرات انواع خشکبار هم باید دو نکته بسیار بااهمیت را یادآوری کرد، یکی اینکه سنجش با سال ۱۳۵۷ هیچ روشنی بر بررسی نمی‌افکند و باید این رقم با سال ۱۳۵۶ سنجیده شود. و دیگر اینکه صادر کردن بی‌رویه خشکبار موجب آن شد که قیمت‌های داخلی به گونه‌ای باور نکردنی افزایش یابد.

به طور کلی می‌توان گفت در سال ۱۳۵۸ کالاهای صادراتی کمتر از واقع و قیمت کالاهای وارداتی بیشتر از واقع اعلام شد. بنابراین رقم واقعی صادرات فرش را باید همان رقم سال ۱۳۵۶ حساب آورد و چون در سال ۱۳۵۶ رقم صادرات فرش حدود سیزده در صد بوده است بنابراین رقم چهل و پنج در صد سهم فرش در صادرات سال ۱۳۵۸ را باید به سیزده در صد تصحیح کرد.

در چنین صورتی، تفاضل این دو رقم یعنی سی و دو در صد باید از کل ارزش صادرات کشور در سال ۱۳۵۸ کاسته شود تا به رقم واقعی صادرات برسد و در نتیجه میزان صادرات سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۶ باید با کسر سی و دو درصد تعیین شود و چون میزان افزایش ارزش صادرات سال ۱۳۵۸ به سال ۱۳۵۶ برابر با بیست و شش درصد عنوان شده بنابراین به طور قطع با تفاضل دو رقم سی و دو و بیست و شش می‌توان گفت که صادرات کشور در سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۶ مبلغی برابر شش درصد کاهش داشته است.

حکمی که در مورد فرش بیان گردید در مورد سایر رقم‌های صادراتی نیز، صدق می‌کند ولی به لحاظ آنکه در بررسی راه بسدبینی پییموده نشود از گسترده‌تر کردن دامنه این محاسبه خودداری به عمل می‌آید.

ولی یادآور می‌گردد که افزایش ارزش صادرات نسبت به سال قبل به خودی خود بیان کننده هیچ معنای خاصی نیست بلکه باید افزایش ارزش، بر اساس افزایش شاخص ارزش کالاهای صادراتی تصحیح شود و رقم به دست آمده پس از این تصحیح مبنای رسیدگی قرار گیرد.

بنابراین انتظار دارد که مرکز توسعه صادرات، شاخص ارزش کالاهای صادراتی سال ۱۳۵۸ را نسبت به سال ۱۳۵۶ تعیین کند و سپس با به حساب گرفتن این شاخص، افزایش یا کاهش ارزش صادرات را در سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۶ بیان دارد.

به نظر می‌رسد، بر اساس محاسبه غیردقیق و غیرعلمی، شاخص قیمت‌های سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۶، ارزش صادرات نه تنها، افزایش نشان نمی‌دهد، بلکه کاهش هم دارد، کاهش بیش از شش درصد ناشی از خارج کردن تفاوت رقم‌های مربوط به صدور فرش.

قیمتهای صادراتی خشکبار را باید روشن کننده تلقی کرد. نکته دیگری که در این باره لازم به یادآوری می‌باشد آن است

اینها بخشی از زمینه‌های ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی است و دست‌اندر کاران به آسانی می‌توانند برای اجرای آنها به اقدام فوری بپردازند.

شعار یا برنامه؟!

علوفه‌زارها و مراتع دامداران و دامپروران بدست فرصت‌طلبان افتاده آنرا تقسیم کرده و برای نمایش همانطور که گذشت بزیر کشت در آورده‌اند و کشور همچنان نیازمند وارد کردن ماده‌های غذایی مانده است.

در چهارده ماده ذکر شده اعلام گردیده: «هدف این است که از نظر خوراک دام خود کفا گردیم و برنامه‌های سطح زیر کشت علوفه را گسترش دهیم و دامپروری سنتی را تقویت کنیم تا از این طریق از امکانات داخلی بیشتر استفاده شود»، سخنانی زیبا و شعارهایی جالب، ولی این پرسش است که چگونه باین هدفهای ارزنده خواهید رسید و روشهای تولیدی پیشنهادی چه میباشند، همه میدانند که «دامداری سنتی» را احیاء کردن کارهای بنیادی بشمار می‌آید ولی این گام بزرگ چگونه برداشته خواهد شد.

چون برنامه‌های ارائه نشده است و چون معیارهای لازم عنوان نگردیده صاحب نظران پشیمان می‌نمایند که آیا طرح کنندگان این شعارها در روند تولید فرآورده‌های دامی بررسی مختصری نموده‌اند که متوجه گردند، آیا تامین مواد لبنی و هفتاد درصد مواد پروتئینی سی‌وشش میلیون روستائی و شهرستانی ایرانی از طریق دامداری سنتی عملی خواهد بود؟! شاید به عنوان مثال تذکر باشد که اگر روند تولید چون دو سال گذشته بجلو رود و دامداران اطراف تهران به شعاع صدوپنجاه کیلومتر به تعطیل کشانده شوند و راکد گردند آیا بررسی شده است که روستائیان این منطقه جهت دامداری سنتی، نیازمند چه تعداد دام می‌باشند و برای آنها امکان نگاهداری این دامها و قدرت تامین علوفه به اندازه کافی وجود دارد تا محصولی معادل سیصدوپنجاه هزار تن شیر فقط برای کارخانه‌های شیر پاستوریزه تهران که اینک از دامداریهای متوسط و بزرگ دریافت مینمایند، تولید کنند. درست است که دامداری سنتی بمنظور خود کفا کردن سطح روستا از برنامه‌های بنیادی بشمار می‌آید ولی هیچگاه از طریق دامداری سنتی تا بیست سال آینده حتی برای منطقه‌ی ذکر شده چنین مقدار شیری به وجود نخواهد آمد که بی‌شک چگونگی تحویل و شبکه جمع‌آوری و حمل آن خود دشواری دیگری را پدید خواهد آورد و ضروری است که کاربدستان توجه کنند که در تمام کشورهای جهان و همچنین ایران زمانی کارخانه‌های شیر پاستوریزه وجود می‌آید که دامداری‌های بزرگ و کوچک به عنوان پشتوانه آن از قبل ایجاد گردیده باشد.

همانطور که دامداری سنتی ضروری می‌باشد، جهت رفع نیاز شهروندان حفظ و توسعه واحدهای دامداری بزرگ و کوچک صنعتی و نیمه صنعتی در نزدیکی شهرها، اجتناب‌ناپذیر است و مصلحت ایجاد مینماید که زیر کشت علوفه این واحدها از دست‌اندازی فرصت طلبان و سودجویان نگاهداری شود تا بتوانند قسمتی از علوفه مورد نیاز خود را تامین نمایند.

در مورد آب و ماشین‌های کشاورزی اعلام گردیده: «مسئله تهیه آب هم اکنون مطرح است، که احتیاج به موتور پمپ دارد و برای رسیدن بخود کفائی از نظر پمپ آب، کود، بذر، سم و ماشین آلات باید به مبتکرین داخلی متکی بود، ما اعلام میکنیم به آنهایی که در زمینه ماشین‌آلات کشاورزی دارای اختراعاتی هستند، هر گونه کمکی را خواهیم کرد، تا در این راه بتوانیم دست خارجی را کوتاه کنیم» تعجب در آن می‌باشد که مسائل مختلف و مهم چنین درهم و پی‌سروته و بی‌سود نمودن راه حل ردیف گردید و به آن عنوان برنامه داده شده است.

در مورد آب، دشواری بزرگ کشاورزی ایران موتور پمپ نمیشناسد، پس از آنکه کشاورزی سنتی ایران ویران گردید و شبکه آبرسانی سنتی یعنی قنات‌ها خراب و بدست فراموشی سپرده شد، از کاربدستان انقلابی کشاورزی!! انتظار میرفت که این «بفرنج» را مورد توجه دقیق قرار دهند و در تهیه آب و جلوگیری از هدر رفتن آن برای مهار کردن رودخانه‌ها و چشمه‌سارها بهره‌برداری درست از آب سدهای بزرگ، ایجاد سدهای کوچک و آب بندها در شمار بسیار و کانال‌کشی‌های فنی برنامه‌ریزی کنند و همه آنها را در آبرسانی قبل از تهیه موتور پمپ بایستی مورد توجه قرار دهند.

موتور پمپ را در داخل ایران با مدیریت صحیح و توجه مالی در کارخانه‌هاییکه هم اکنون وجود دارد میتوان تهیه نمود و در گذشته نیز در سطح وسیع تهیه و توزیع میگرددیده است. در مورد سایر ماشین‌های کشاورزی با توجه بچند کارخانه موجود که اینک در اختیار دولت میباشد و یا کارخانه‌های ماشین سازی دولتی که ظرفیت گسترده‌ای در زمینه تهیه ماشین‌های کشاورزی دارند و به علت عدم توجه به آنها و نداشتن سفارشی در شرف تعطیل میباشند، میتوان قسمت بزرگی از نیاز کشاورزی را برآورده نمود.

با سازمان فنی صحیح و دادن سرویسهای لازم به صورت شبکه‌های تعاونی ماشین‌های کشاورزی از خریدهای زاید وسیله کشاورزان جلوگیری و نیازمندیهای کشاورزی را از این حیث برآورده ساخت. درباره بذر باید گفته شود که سازمان ترویج کشاورزی در گذشته قبل از نابودی واحدهای کشاورزی طی قراردادهایی، نیازمندیها را هر ساله تهیه میکرد و به کشاورزان میرساند ولی با به نابودی کشانده شدن واحدهای بزرگ که امکان تهیه بذر را از نظر فنی دارا بودند، دشواری تازه‌ای در کشاورزی ایران پدید آمد.

این دشواری را هم با توجه به کشت و صنعت‌های بزرگی که دارای هزاران هکتار زمین میباشند و وزارت کشاورزی باید با گرداندگی درست از تعطیل شدن آنان، جلوگیری بعمل آورد، میتوان حل کرد و بذر خوب را تهیه نمود.

در برنامه اعلام شده ذکر از فعالیتهای شیلات و بهره‌گیری بیشتر و استفاده قرون‌تر از دریای مازندران و خلیج فارس به میان آمده است، شیوه بهره‌گیری از امکانات طبعی آن ده دنا باشد

بطوریکه وزیر کشاورزی و عمران روستائی در مصاحبه روز چهارشنبه سوم دیماه ضمن ارائه برنامه کار خود، اظهار میدارد: «وضع کشاورزی سیر قهقرائی داشته و هر جا دست میگذاریم خرابی دیده میشود و ما وارث یک وزارت خانه‌ای هستیم که بیخ و بن کارهای آن غیر اصولی و غیر مردمی و حتی ضد مردمی است»

با توجه به اینکه نزدیک به دو سال از پیروزی انقلاب میگذرد و ایشان سومین وزیر دوران سازندگی هستند بنظر میرسد با توجه به این اظهارها دو وزیر گذشته وزارت کشاورزی نه تنها در این مدت قدمی در راه بازسازی وزنده داشت کشاورزی ایران بر نداشتند بلکه به ویرانی آن کمک کرده که وارث سوم، چنین شکایتی را بطور رسمی اعلام میدارد.

این خود تاسف آور می‌باشد که چگونه بهترین فرصتها و زمان سازندگی نابود گردیده و نه تنها قدمی در راه بهبود وضع کشاورزی ایران برداشته نشده بلکه کشاورزی در دو سال گذشته به گفته وزیر کنونی سیر قهقرائی نیز داشته است.

همه خوب بخاطر دارند که وزیر سابق کشاورزی با آواز مگری نه یکبار بلکه چندین بار و همچنین بسیاری از کار بدستان دیگر اعلام داشتند که از نظر کشاورزی، ایران به خود کفائی رسیده و در بسیاری از فرآورده‌ها مانند گندم از کمک خارج بی‌نیاز شده‌است ولی وزیر کنونی در مصاحبه اعلام میدارد که: «محصول سال گذشته متأسفانه آفت زیادی داشته است و در این راه مجبور شدیم مقداری محصول از خارج وارد کنیم، محصول پنبه، گندم و جو آفت داشته و علت این کمبود خشکسالی تغییر مدیریت و عدم وجود امکانات فنی کافی برای بهره برداری بوده است.

باتوجه به «تغییر مدیریت و عدم وجود امکانات فنی» که آن نیز خود از نبودن مدیریت صحیح ناشی میگردد، کمبود محصول را در چنین سطحی بحساب آفت‌های گیاهی گذاشتن و با توسل به این نوع استدلالها وزارتخانه را تبرئه نمودن کار درستی نمی‌باشد زیرا وزارت کشاورزی و عمران روستائی با داشتن سازمانهای وسیع صدورصد تخصصی که در جهت شناسائی و دفع آفت‌های گیاهی در سراسر کشور فعالیت می‌کنند دیگر جا ندارد، اجبار به وارد کردن «مقداری محصول از خارج» را «آفت زیاد» عنوان کند، نوع آفت، میزان محصول آفت‌زده و منطقه آنرا بیان نمایند که مقایسه‌ای بین میزان محصول آفت‌زده و واردات گندم بعمل آید، و تصور نمیرود که میزان محصول آفت‌زده چنان زیاد باشد که در اثر از بین رفتن آن ناگزیر به خرید گندم خارجی در سطح گسترده دو یا سه میلیون تن شده باشند.

فنی عملکرد وزیران گذشته کشاورزی و عمران روستائی پس از پیروزی انقلاب که انتظار زیاد به کار آنان میرفت چیزی است که ملت ایران قبل از بیان وزیر وقت کشاورزی بدان پی برده بود ولی با تعجب بسیار، هنوز هم کار بدستان این وزارتخانه راه گذشته را ادامه میدهند و با همان روشها و معیارها قصد بازسازی کشاورزی ویران شده ایران را دارند.

وزیر کشاورزی و عمران روستائی در مصاحبه خود اظهار داشت «برنامه‌ای در چهارده ماده تدوین و به مورد اجرا گذاشته شده ولی در حقیقت با طرح سرفصلهای شعارگونه روشن ساخته است که برنامه سنجیدمائی ندارد و کارهایی را میخواهد انجام دهد که خود به عنوان عملکرد این وزارتخانه در گذشته بطور اعم و در دو سال پس از انقلاب بطور اخص به انتقاد گرفته است.

اعلام این شعارها که: «دامپروری گسترش و سطح زیر کشت افزایش و دامداری سنتی احیاء و با استفاده از مخترعان و کسانی که در ساخت ماشین‌های کشاورزی ابداعاتی دارند»، کشاورزی چنین و چنان خواهد شد، آرزویی است بحق و هدفی است پسندیده ولی باید پرسیده شود چگونه و با چه برنامه‌ای؟!، آیا بطور کلی برای تحقق این چنین خواست درستی لحظهای تفکر شده است که با استفاده از چه روشهای تولیدی و با بکار بستن چه راه‌حلهایی دشواریها از پیش روی برداشته خواهد شد، زیرا تنها با طرح چنین شعارهایی به نام برنامه‌کاری انجام نخواهد گرفت.

آیا در هنگام طرح این شعارها توجه شده است که دامداران در چه شرایطی به تولید ادامه میدهند و به علت نداشتن علوفه که خود زائیده بی‌توجهی و بی‌برنامه‌گی کار بدستان وزارت کشاورزی و عمران روستائی است همه روزه دامهای بسیاری را بکشاکش گاهها عرضه میدارند تا از زحمت نگاهداری و مرگ تدریجی آنان جلوگیری نمایند.

باتوجه به هرج و مرجی که در نظام زمین‌داری بوجود آمده است امکان گسترش افزایش کشت وجود نداشته است، زیرا زمینهای کشاورزی از هجوم و دست‌اندازی فرصت‌طلبان مصون نمانده و برای آنکه پس از دست‌اندازی آنان شخص فرصت‌طلب دیگری قصد بدست آوردن زمین را نداشته باشد به زدن شخم غیر فنی و پاشیدن مقداری بذر در آن زمین کفایت کرده‌اند و چون هدف، خود زمین بوده نه محصولی که از آن زمین بدست می‌آید توجه به این موضوع نشده است که برای برداشت خوب باید زمین را بهنگام کشت بطور فنی و درست شخم زد و به اندازه در آن بذر ریخت و کود و سم لازم را هم داد.

در اکثر زمین‌هایی که بدین صورت درآمده و یا چنددست چرخیده به عنوان مثال برای کشت یک هکتار گندم به جای یکصدوچهل تن یا یکصد و شصت کیلو بذر به رقمی بین بیست تا سی کیلو قناعت شده و مزارع زیادی را بصورت نمایشی پدید آوردند و در نتیجه محصولی چنان برداشت کردند که همه از کم و کیف آن آگاه هستند و اگر در سال آینده باتوجه به وضعی که هیئت‌های هفت نفره تاکنون از خود نشان داده‌اند وضع زمینداری بطور قطعی و بنیادی روشن نگردد، بعد فاجعه، کشاورزی قابل پیش‌بینی نخواهد بود.

هیئت‌های هفت نفره باید بسکوشند که از این شگردهای فرصت‌طلبانه در زمینداری عمومیت نیابد و زمین در اختیار کشاورزان واقعی و واحدهای کشاورزی و دامپروری قرار گیرد. باتوجه به چنین دشواریها چگونه میتوان به افزایش سطح زیر کشت کمک نمود در جائیکه در اثر این نوع عملکرد غلط گندم‌زارها و پنبه‌زارها

با هم تفاوت داشته باشند. بنظر میرسد از دریای مازندران بیش از ظرفیت آن تاکنون بهره‌گیری شده است، توجهی به آمارها نشان میدهد که سالیانه دویست تن خاویار حتی در سال گذشته به سردخانه‌های شیلات تحویل داده شده است ولی به علت عدم کارائی کاربدستان و دخالت نابجای افراد محلی و سرانجام بی‌توجهی وزرات کشاورزی و عمران روستائی دریای مازندران که بسته و دارای ذخیره‌های ناچیز است دارد به ورطه نابودی کشانده میشود.

همه ساله شیلات شمال چندین میلیون ماهی پرورش داده و برای آنکه باصیدهای بی‌رویه نسل ماهی‌های دریانا بود نشود بدریا میریزد ولی با آزاد بودن صید که هر کس میتواند تور خود را در دریا بگسرد فاجعه نابودی ماهی رادریای مازندران میتوان انتظار داشت که عامل اصلی آن بوجود نیاموردن یک نظام تعاونی مورد قبول در کنار صیدماهی می‌باشد.

شیلات جنوب سازمانی است که تاچندماه پیش اداره آن بمعده وزارت دفاع بود و سپس در اختیار وزارت کشاورزی و عمران روستائی قرار گرفت و نارسائی و نابسامانی‌های فراوانی در این واحد تولیدی نیز بوجود آمده است که باید برای برطرف ساختن آنها و بهره برداری هرچه بیشتر از ذخیره‌های خلیج فارس از ماهی و میگو و مانند اینها برنامه ریزی کرد.

نکته پاهمیتی که در شعارهای طرح شده به عنوان برنامه وزارت کشاورزی و عمران روستائی ذکر می‌آید نشده بود موضوع اعتبارهای لازم است.

دادن وام و اعتبار بزرگترین نقش رادسازندگی و بازسازی کشاورزی کشور بمعده دارد، بسامان رساندن ادغام بانک تعاون کشاورزی و بانک توسعه کشاورزی که دو بانک اعتبارات دولتی میباشد باکمال تاسف پس از گذشت ماهها در عمل صورت نگرفته است اعلام برنامه صحیح اعتباری از ضروری‌ترین اقدامها در زمینه زنده داشت کشاورزی ایران میباشد.

وضع زمین که مادر همه نابسامانی‌های کشاورزی بشمار می‌آید هنوز بطور قطعی روشن نگردیده است و کسی نمیداند، آیا لایحه‌های قانونی باینهمه نقصهای گوناگون، قابل اجرا می‌باشد و یا تغییرها و اصلاحهای دیگری در آن بعمل خواهد آمد.

هیئت‌های هفت نفره که اجرا کنندگان این لایحه قانونی گردیده‌اند در هیچیک از نقاط کارساز نبوده‌اند و همه جاعملکرد آنان بانارسائی و سردرگمی توأم بوده است.

دخالت مرکزهای قدرت گوناگون و نهادهای انقلابی نماجرای این قانون رادشوارتر ساخته است و بی‌شک وزارت کشاورزی و عمران روستائی باید تعیین نماید که حدود اختیارها و وظیفه‌های هیئت هفت نفره چه میباشد.

بطور کلی بنظر میرسد که برنامه کشاورزی ایران نیز چون برنامه دولت باشتاب و شاید بدون توجه به نظر کارشناسان فنی و باتجربه تهیه و بطور کلی باید بیان داشت که گذشته از وجود دشواریهای اعلام شده در برنامه، نارسائی بزرگی که کشاورزی بآن دست به گریبان است، نداشتن مدیریت دارای تخصص و تجربه میباشد و کار بدستان حکومت نیز توجه نمی‌نمایند که کشاورزی کاری است تخصصی و بازسازی آن کار هر کس نیست.

کلاس نقاشی

مرتضی کاتوزیان

خیابان صبا چهارراه بزرگمهر ساختمان صبا طبقه سوم تلفن ۶۶۶۸۷۱

سوپر ۱۱۰

بزودی افتتاح میشود

نشانی شیخ‌هادی روبروی کوچه ملک

تلفن ۶۷۸۶۷۱

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳

خیابان سپهدق‌قرنی خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

از خبرهای هفته

صادرات نفت عراق به کلی متوقف شد

خبرگزاری رویتر از بغداد گزارش داد بدنبال حمله‌های هوایی ایران کلیه صادرات نفتی عراق بطور کامل قطع شد. و فقط قسمت کمی از تلمبه خانه‌های آن کشور کار می‌کند.

بگفته منابع دیپلماتیک مقیم عراق حمله هوایی ایران که نزدیک به یکماه پیش به تاسیسات نفتی کرکوک در شمالعراق صورت گرفت باعث قطع کامل جریان نفتی شد که از طریق دولوله به سوریه و ترکیه رفته و از آنجا به خارج صادر می‌شد.

به عبارت دیگر بعد از بسته شدن خلیج فارس بروی صادرات نفتی عراق تنها راه صدور نفت آن کشور که از سوریه و ترکیه بود نیز بسته شد.

اگرچه حمله‌های هوایی خلبانان ایرانی بسیار دقیق و برای عراقی‌ها مرگبار است، اما عراق به دلایل زیر می‌کوشد بازهم این تاسیسات را بکاراندازد:

اول اینکه، صادرات این لوله‌ها میتواند درآمد روزانه‌ای برابر سی میلیون دلار برای عراق داشته باشد.

دوم اینکه، نفت کالای خوبی برای معاوضه با قطعات یدکی موردنیاز ارتش عراق است.

سوم اینکه، عراق نیازمند مواد سوختی مشتق از گاز طبیعی است.

این گزارش حاکی است که در حال حاضر فقط نیمی از گنجایش پالایشگاههای نفتی عراق کار می‌کنند و کمبودهایی در زمینه تولیدات و تصفیه به چشم می‌خورد.

تدریس اقتصاد و زبان‌های خارجی در حوزه‌های علمیه

آیت‌الله مشکینی در دیدار خود از چند شهر گیلان در مصاحبه‌ای باخبرگزاری پارس درمورد تزکیه درحوزه‌های علمیه گفت:

از سوی امام امت و دیگر مراجع برای رسیدگی به وضع داخلی حوزه‌ها و اصلاح آن‌ها گروهی تعیین شده است که از جمله اقدامات آن تشکیل دادگاه ویژه روحانیون و بررسی کیفیت دروس حوزه‌ها و تطبیق آن با نیازهای روز است.

در اجرای این هدف، دروس اقتصاد و زبانهای خارجی و امثال آن نیز به طلاب آموخته میشود.

هفته بزرگداشت بوعلی سینا

بمناسبت یکهزارمین سال تولد بوعلی‌سینا از روز بیست و هفتم دیماه جاری به مدت یک هفته آئین ویژه‌ای در تالار رودکی برگزار خواهد شد.

دکتر رضا داوری، سرپرست موقت سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران در این رابطه به خبرنگار کیهان گفت:

«سال ۱۹۸۰ از طرف یونسکو سال هزاره بوعلی سینا لقب گرفت و چون این دانشمند ایرانی در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی متولد شده، در نتیجه سال ۱۳۵۹ مصادف با یکهزارمین سال تولد وی میباشد و چون تعداد زیادی از کشورها نسبت به برگزاری این مراسم اقدام کرده‌اند لازم بود ما که خود ایرانی هستیم نیز در این مورد اقدام کنیم.»

سرپرست موقت یونسکو درمورد نحوه‌ی برگزاری این آئین گفت:

«هنوز نحوه‌ی اجراء دقیقاً مشخص نیست ولی براساس پیش‌بینی‌های انجام شده گروهی از اساتید فلسفه و طب طی سخنرانی‌ها و مقالاتی نسبت به محتوای کتابهای این دانشمند گرانما به اظهار نظر خواهند کرد.»

وی در پایان اضافه کرد:

در این مراسم تنها صاحبانظران ایرانی شرکت خواهند داشت و هیچکدام از افراد خارجی جهت حضور در این مراسم دعوت نشده‌اند.»

حساب محافظین از پاسداران جدا است!!

در جلسه روز چهارشنبه دهم دیماه، رئیس مجلس در جواب اعتراض حضرت آیت‌الله لاهوتی به مسئله‌ی توهین پاسدارهای مجلس به ایشان گفت:

«اینجا پاسدارهای مجلس نبوده‌اند بلکه محافظین بعضی از آقایان نمایندگان هستند که حسابشان از دیگران جدا است (!!) و بهر حال مسئله باید رسیدگی شود که آیا پاسدارها چنین کاری را کرده‌اند یا خیر (!!)»

با این توجه به این نتیجه می‌رسیم که محافظین بعضی از نمایندگان نیز، مانند خود آنان از مصونیت پارلمانی برخوردار هستند و حسابشان از دیگران جداست!!

دهقانان لهستان خواستار اتحادیه آزاد هستند

سه‌شنبه گذشته، هزاران دهقان از سراسر لهستان در پایتخت این کشور گرد آمدند و خواهان تشکیل رسمی اتحادیه آزاد دهقانان شدند.

یک ایستگاه رادیویی گزارش داد که تنها از یک دهکده هزار دهقان برای شرکت در تظاهر و اعلام خواستهای سرحق خود به ورشو رفت‌اند.

در ماه اکتبر گذشته دادگاه منطقه‌ای ورشو درخواست دهقانان را مبنی بر تشکیل اتحادیه رد کرد و اعلام داشت که از آنجائیکه دهقانان در استخدام دولت نیستند، نمی‌توانند از لحاظ قانونی اتحادیه تشکیل دهند اما دهقانان می‌گویند آنان در عمل کار تولید نیازهای اقتصادی اتحادیه‌های کاری را بعهده دارند.

به رغم کمکهای غذایی که روسیه، آمریکا و دیگر کشورهای جهان در اختیار لهستان نهاده‌اند، دولت در نظر دارد سال آینده جیره‌بندی غذا را اجرا کند.

طرح موقتی جیره‌بندی مواد غذایی برای نخستین بار بعد از پایان جنگ جهانی دوم طی هفته کریسمس در این کشور به مرحله اجرا درآمد.

از سوی دیگر «پیوتر کسکی» مشاور اتحادیه دهقانان لهستان اعلام کرد در صورتیکه دهقانان تصمیم به اعتصاب بگیرند، کمبود مواد غذایی بیش از گذشته لهستان را تهدید خواهد کرد.

انتخابات «میان دوره‌ای» یا «میان بر»!!

مهندس میرسلیم، معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور و سرپرست شهربانی کل کشور، در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که انتخابات میان دوره‌ای مجلس تا یکماه دیگر در نوزده حوزه انتخابیه برگزار میشود و در جمع نوزده نماینده‌ی دیگر به مجلس راه خواهند یافت.

وی در این مصاحبه گفته است در کردستان و آذربایجان غربی و سایر منطقه‌های جنگی بزرگ نبودن آرامش سیاسی برگزاری انتخابات امکان‌پذیر نیست.

طبق گفته‌ی معاون وزارت کشور نوزده حوزه‌ای که برگزاری انتخابات در آنها مورد موافقت شورای نگهبان قرار گرفته است عبارتند از:

- سیرجان - بستان‌آباد - ورزقان - چاب‌بهار - مغان - دره‌گز - شیروان - رودسر - بهار - سراوان - گناب - خاش - فریمان - کاشمر - میانه - کرمان - هشتروند - بندرلنگه - دلفان.

معاون سیاسی وزارت کشور همچنین گفته است ضابطه‌ها و آئین‌نامه‌ی انتخابات میان دوره‌ای، همان آئین‌نامه و ضابطه‌های دوره قبلی انتخابات مجلس خواهد بود.

آنچه سؤال برانگیز میباشد آنست که مگر تهران و کرمانشاه و فیروزآباد و بندر انزلی و نقاط دیگری که در لیست تصویب‌شده‌ی شورای نگهبان آورده نشده خدای ناکرده به اشغال دشمن درآمده یا دستخوش ناآرامیهای سیاسی است که برگزاری انتخابات در آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

آیا بهتر نیست مردم فریب داده نشوند و بجای انتخابات «میان دوره‌ای» سروته قضیه را با انتخابات «میان بر» بهم نیاورند؟!

مناظره تلویزیونی برای حل اختلاف

حجت‌الاسلام حجتی کرمانی، نماینده مردم کرمان در مجلس در هفته گذشته در قسمتی از نطق قبل از دستور خود گفت:

«... اگر بناست این انقلاب به ثمر برسد و به ملت‌های ستم‌کشیده دیگر نیز صادر بشود، شکی نیست که با این دعوای و اختلافات، رسیدن به این هدف ممکن نیست.»

وی سپس از همه‌ی دولتمردانی که توی سر هم میزنند و فرصت نفاق‌افکنی پدید می‌آورند خواست که ایادی ناپاکشان را از اطراف خود دور کنند و در ادامه‌ی سخنان خود گفت:

«... آیا معنای سکوت و آتش‌بس امام همین است که اینگونه باز هم اختلافات را دامن بزنیم؟

این چه دستی است که رئیس‌جمهور را اینطوری در برابر مجلس و مجلس را در برابر رئیس‌جمهور قرار داده است؟»

حجتی کرمانی در پایان خطاب به رئیس مجلس گفت: «... ترتیبی بدهید که بین مقامات مملکتی که در رأس هستند مناظره‌ی رادیو تلویزیونی شروع شود و در این مدت روزنامه‌ها هم آتش‌بس کنند تا اینها حرفشان را درباره موارد اختلاف بزنند و امام امت هم شاهد باشند.»

در جهان ملتها چه میگذرد

عصر کنونی، عصر ملت‌هاست

حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه در مصاحبه‌ای با خبرنگاران لبنانی نقطه‌نظرهای خود را در قبال وحدت عربها و موضع سوریه نسبت به رونالد ریگان رئیس‌جمهور منتخب آمریکا اعلام داشت.

رئیس‌جمهور سوریه گفت: عصر حاضر، عصر ملت‌ها است. خواه این ملت‌ها کوچک باشند، خواه بزرگ و در هر حال دوران امپریالیستهای جهانخوار به پایان رسیده است.

حافظ اسد افزود: این ملت‌های خاورمیانه هستند که درباره جغرافیا و سیاست منطقه تصمیم خواهند گرفت و دیگران تنها می‌توانند ناظر بر تصمیم‌های آنها باشند.

رئیس‌جمهور سوریه درمورد رونالد ریگان رئیس‌جمهور منتخب آمریکا گفت: تجربه ثابت کرده است، سیاستهای آمریکا با تغییر رؤسای جمهور دگرگون نمیشود و موضع‌گیری سوریه نیز نسبت به سیاستهای آمریکا ثابت است.

گسترش کوششهای جبهه ملی مصر

ژنرال «سعدین شاذلی» دبیر کل جبهه ملی مصر ورئیس پیشین ستاد ارتش مصر در مصاحبه‌ای باروزنامه کوریتی «القیس» اعلام کرد: گروه‌های مخالف رژیم بتدریج در حال مسلح شدن می‌باشند زیرا «سادات» بادشمنان عربها و اسلام متحد شده است.

وی افزود: جبهه ملی مصر در نظر دارد به جبهه پاسداری عرب که از کشورهای سوریه، لیبی، یمن جنوبی، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل یافته، بپیوندد.

همچنین دبیر کل جبهه ملی مصر این گزارش را که وی قصد دارد دولت در تبعید تشکیل دهد رد کرد.

ژنرال شاذلی درمورد تماس بادیگر گروههای مخالف رژیم سادات گفت: جبهه ملی مصر تماسهای دائمی خود را با تمامی گروهها و دسته‌هایی که در داخل مصر خواهان سرنگونی رژیم سادات هستند، حفظ خواهد کرد زیرا اطمینان دارد رژیم سادات تنها توسط ملت مصر سرنگون خواهد شد.

غلبه بر انقلابیان افغانی غیر ممکن است

روزنامه پاکستانی «جنگ» گزارش داد، یک ژنرال روسی که توسط جنگ آوران افغانی دستگیر شده است به مرگ محکوم گردید.

این ژنرال روسی در ایالت «باغلان» در شمال کابل دستگیر و به دادرسی کشیده شد. روزنامه مزبور اضافه می‌کند، ژنرال یاده شده نامهای به لئونید برزنف نوشته و در آن خاطر نشان ساخته است که شکست و مرگ برای وی دردآور می‌باشد.

این ژنرال روسی از ادامه جنگی که منجر به شکست می‌شود اظهار تاسف کرده و غلبه بر مجاهدان را به خاطر موقعیت کوهستانی افغانستان غیر ممکن دانسته است.

تجربه اندوزیهای امپریالیسم امریکا

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد، نیروهای ضربتی آمریکا از مانور یکماهه قبل خود در مصر تجربه‌های فراوان آموخته‌اند.

مانور یاد شده که تحت نام «برایت استار» انجام شد و بیست و پنج میلیون دلار هزینه داشت و به ارتش آمریکا اجازه داده تا ضعفهای خود را در مناطق کویری یا در صورت جنگ در منطقه خلیج فارس ارزیابی کند.

یک افسر لشکر صد و یکم ارتش آمریکا که بیشتر در مناطق جنگی ویتنام و نواحی کوهستانی اروپا خدمت کرده است اظهار داشت از مانور «برایت استار» هزاران درس فرا گرفته است.

افسر دیگری گفت: در این مانور کاربرد وسایل توام با دردسر بوده است و با بادهای شنی مشکل عمده‌ای برای تمامی وسایل نقلیه و به خصوص هلیکوپترهای «کبرا» و «بلک هاوک» ایجاد کرده بودند.

مناطق شنزار به پروانه‌های هلیکوپتر آسیب رسانده است ولی نظامیان آمریکائی زود چاره آن را یافته و پروانه هلیکوپترها را با نوعی پلاستیک عایق پوشانده‌اند.

نظامیان آمریکایی همچنین متوجه شده‌اند که لباس استار سبز رنگ برای مناطق کویری مناسب نیست و پنتاگون تصمیم گرفته است برای نیروهای مداخله سریع، لباسی هم رنگ ماسه تهیه کند.

در این عملیات می‌بایست سیصد و چهل و پنج هزار لیتر سوخت هواپیما و هلیکوپتر و دو بیست و هشتاد هزار لیتر سوخت وسایل نقلیه و یکصد و سی و پنج هزار لیتر آب آشامیدنی حمل می‌شد. خبرگزاری فرانسه می‌افزاید، عملیات نا موفق «طیس» بسیاری از کمبودهای ارتش آمریکا برای مداخله در اینگونه مناطق را آشکار ساخته است.

جنگ را با همه نیرو و تاپیر و زنی نهائی دنبال کنید